

معضلِ عدم قطعیت در تحلیل بحران کره شمالی و آمریکا

دکتر مسعود رضائی^۱ / ماریا فرحزاده^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱. دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (نویسنده مسئول) msd.rezaei@yahoo.com

^۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی farhanepadana@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۵

چکیده

موضوع بحران میان کره شمالی و آمریکا برخلاف بسیاری از بحران‌های موجود در عرصه جهانی، کاملاً متفاوت و تابعی از مکانیسم دوران جنگ سرد است. از همین رو بی‌اعتمادی و عدم قطعیت، ادراک ایالات متحده و کره شمالی را در قبال یکدیگر تعیین کرده است. در این چارچوب، آمریکا اصرار دارد تا قبل از رسیدن پیونگ‌یانگ به چرخه کامل بازدارندگی اتمی، این کشور را به واسطه تحریم‌های چندجانبه و تهدید نظامی به زانو درآورد و کره شمالی نیز سرسختانه در مسیر تکامل سطوح بازدارندگی هسته‌ای و تضمین بقاء، حاضر نیست توافقی بدون در نظر گرفتن امنیت و منافع آن حداقل در موقعیت انجماد منازعه شکل بگیرد. در این میان، مسائلی همچون تهدیدهای بالقوه، تعهدات متفاوت، تغییر در اولویت‌های دو کشور، سیاست‌های داخلی و حتی وقایع و رویدادهای برون منطقه‌ای یکی پس از دیگری تنها به افزایش دامنه مناقشه و عدم قطعیت منجر شده است. نظر به این مهم، مقاله حاضر درصدد است به روشی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از «نظریه بیزی»، ابعاد و پیامدهای بحران میان دو کشور را مورد توجه قرار داده، و با بکارگیری سناریوهای نظامی موجود و چالش‌های آن، به تحلیل این موضوع بپردازد که اطلاعات ناقص و عدم قطعیت در بحران دو کشور، ناظر به چه تحولاتی بوده و وقایع احتمالی از چه ویژگی‌هایی برخوردار خواهند بود.

▪ واژگان کلیدی

کره شمالی، عدم قطعیت، آمریکا، نظریه بیزی، سناریو، کره جنوبی، برنامه هسته‌ای و موشکی

مقدمه

چندین دهه است که کره شمالی برای همسایه جنوبی خود و همچنین ایالات متحده آمریکا به عنوان یک معضل حاد امنیتی قلمداد می‌شود. یکی از قدیمی‌ترین بحران‌های لاینحل جهانی که تاکنون اندیشمندان روابط بین‌الملل در قالب نظریه‌ها و مکاتب گوناگون علمی، به ابعاد و ماهیت آن پرداخته و در مورد تداوم یا حل این مسأله دیدگاه‌هایی را مطرح و گاهاً پیشنهادهایی را در اختیار سیاستمداران کشورهای خود قرار داده‌اند. طی همین مدت، هر از گاهی و در مقاطع مختلف، بحران شبه‌جزیره کره به مرحله حساس و اوج خود رسیده و در مواقعی نیز امیدها برای آشتی و صلح میان طرف‌های درگیر نمایان شده است. از این منظر، موضوعات مختلفی پیرامون این مسئله همچون فرآیند گسترش بحران، متغیرهای تاثیرگذار بر افزایش تنش شامل عوامل داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی و همچنین رفتارشناسی سیاسی مناسبات دو کره از زوایای مختلف قابل شناسایی و ارزیابی است که می‌توان آنها را به بحث گذاشت؛ اما در اینجا مشخصاً بنا داریم پیچیدگی بحران مذکور را صرفاً میان کره شمالی با محور آمریکا - کره جنوبی مطمح نظر قرار دهیم.

می‌دانیم که بحران کره شمالی ظرف یک سال اخیر وارد مرحله جدی‌تری شده است. در واقع از ابتدای سال ۲۰۱۷ و روی کار آمدن دونالد ترامپ در واشنگتن، جهان شاهد افزایش تهدیدهای نظامی این کشور در شبه‌جزیره کره بوده است، و همزمان پیونگ‌یانگ نیز با آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای متعدد و متناوب، آمریکا را به حمله هسته‌ای تهدید کرده که در پی آن، چگونگی برخورد با این کشور، به یکی از موضوعات مهم و روزمره مقامات واشنگتن و پنتاگن تبدیل شده است؛ تا جایی که رئیس‌جمهور این کشور در توثیقات و سخنرانی‌های گاه‌وبیگاه خود، برخورد جدی با کره شمالی را محتمل دانسته و در مقابل نیز، کره شمالی از احتمال هدف قرار دادن جزیره گوام و

خاک آمریکا سخن به میان آورده است. موضوعی که برخی از تحلیلگران و سیاستمداران را وا داشته تا ماهیت و ابعاد این بحران را همچون فضای جنگ سرد ارزیابی کرده و نسبت به احتمال وقوع ناگهانی جنگ هسته‌ای هشدار دهند.^۱

نکته قابل توجه اینکه بر خلاف استراتژی امنیت ملی دولت باراک اوباما در سال ۲۰۱۵ که در آن تنها سه بار و آن هم به صورت کلی به مسئله کره شمالی توجه شده بود، سند دولت ترامپ ۱۶ بار با جزئیات به موضوع خطر توان اتمی کره شمالی می‌پردازد و با اشاره به ضرورت ایجاد اتحاد میان کشورهای شرق آسیا علیه این کشور، آورده است: «رژیم کره شمالی به سرعت در حال شتاب بخشیدن به برنامه‌های سایبری، هسته‌ای و موشک‌های بالستیک خود است. تلاش کره شمالی برای دستیابی به این تسلیحات، تهدیدی جهانی است و به پاسخی جهانی نیاز دارد».^۲ از این منظر ترامپ عملاً نشان داده است که دولت جمهوری خواه وی خواهان برخورد سریع و سخت با رژیم کره شمالی است. البته چهار رئیس‌جمهور قبیل از ترامپ نیز این ادعا را مطرح کرده بودند که «همه گزینه‌ها روی میز است»؛ اما هیچ‌کدام نتوانستند مسیر توسعه موشکی و هسته‌ای پیونگ‌یانگ را متوقف کنند. دلیل آن سهل‌انگاری، اعمال فشار نامناسب و محدود و یا سستی در ایجاد ارتباط قوی نبوده است؛ بلکه در واقع برای برخی از بحران‌ها در سیاست خارجی، در کوتاه‌مدت راه‌حل‌های «مناسب و خوب» وجود ندارد و یا حداقل به سختی حاصل می‌شوند. راه‌حل مناسب و خوب به این معنی است که

۱. ساعت آخرالزمان (Doomsday Clock) که هر ساله احتمال وقوع فجایع جهانی را نشان می‌دهد، به دلیل تهدیدات ناشی از تغییرات اقلیمی و افزایش خطر جنگ هسته‌ای در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۸ توسط بولتن دانشمندان اتمی ۳۰ ثانیه جلو کشیده شد و به ۲ دقیقه قبل از نیمه شب رسید. این نخستین بار پس از سال ۱۹۵۳ است که این ساعت تا نزدیکی نیمه شب می‌رسد. در آن سال ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی که درگیر جنگ سرد بودند، بمب‌های هیدروژنی خود را با موفقیت آزمایش کردند.

۲. National Security Strategy of the United States of America, December 2017, pp. 45-47. <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>

احتمال موفقیت زیاد و خطر آن کم باشد؛ به گونه‌ای که شیوه مورد نظر، خود به وضعیت بدتری نسبت به تهدید اولیه بدل نشود.

از همین رو طی سالیان گذشته، چهار دسته راه‌حل کلی مذاکره، تحریم، تهدید نظامی و نهایتاً متقاعد کردن چین به فشار آوردن روی کره شمالی در قالب سه عنصر «بازدارندگی»، «مهار» و «مدیریت بحران»، برای دست کشیدن این کشور از برنامه هسته‌ای و موشکی‌اش مطرح شده است که تمام این گزینه‌ها تا حدودی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و عملیاتی شده‌اند. اما در خلال همین مدت، پیونگ‌یانگ مخفیانه و آشکارا چندین و چند کلاهک هسته‌ای، موشک‌های دوربرد، میان‌برد و قاره‌پیما آزمایش کرده است که گفته می‌شود حداقل یکی از این موشک‌ها از قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای برخوردار است و قادر است خاک آمریکا را هدف قرار دهد. به‌طور مشخص در این خصوص می‌توان به پرتاب موشک قاره‌پیمای هواسونگ-۱۵ (Hwasong - 15) در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۷، با برد ۱۳۰۰۰ کیلومتر (McCurry and Berger, 2017) اشاره نمود. در همین چارچوب، ترامپ هم به سهم خود از احتمال انجام «حملات پیش‌دستانه محدود» و مطمئن سخن گفته است (Kelemen, 2018). در واقع، ایشان مشتاقانه همان نقشی را ایفا می‌کند که در اسطوره‌های حزب جمهوری دموکراتیک خلق کره وعده داده شده است. این اسطوره بر دو اصل مبتنی است: «یکی بودن کره و خاندان کیم، و دیگری، وعده مقابله با یک دشمن خارجی قدرتمند و زورگو» (Bowden, 2017). هرچه این تهدید جدی‌تر باشد - که ظاهراً ترامپ مایل به ادامه چنین سیاستی است - روایت خاندان کیم نیز درست‌تر از آب درمی‌آید. «کیم جونگ‌اون»^۱ - رهبر جوان کره شمالی - نیز طبیعتاً در پاسخ به جدی‌تر شدن این تهدید، به کلاهک هسته‌ای عملیاتی نیاز دارد و به همین خاطر است که تسلیحات هسته‌ای به محور دکترین نظامی کره شمالی بدل شده و مقامات این کشور، معتقدند «آنها اشتباه کشورهای عراقی دوران

۱. Kim Jung-Un

صدام و لیبی دوران معمر قذافی را تکرار نخواهند کرد» (Telegraph, Jan 09, 2016). حال نظر به آنکه در دو سوی این مناقشه، دو فرد به غایت خودرأی و رادیکال قرار گرفته‌اند و ترکیب ذهنیت غیرقابل پیش‌بینی آنها در کنار اطلاعات ناقص و اشتباه محاسباتی، این قابلیت را پیدا کرده است که بحران موجود میان دو کشور را وارد مرحله نظامی کند، می‌توان ابعاد و پیامدهای این بحران را به بحث گذاشت.

چارچوب نظری

از «بازی‌های بیزی»^۱ به مفهوم اطلاعات ناقص برای تحلیل موقعیت‌هایی استفاده می‌شود که در آنها دست‌کم یک بازیگر به قطع و یقین نمی‌داند که ترجیحات بازیگر مقابل چیست. واضع این نظریه «جان هارسانی»^۲ است که به خاطر تحقیقاتش در تحلیل نظریه بازی‌ها در شرایط اطلاعات ناقص، نوبل اقتصاد سال ۱۹۹۴ را دریافت نمود. علاقه هارسانی به کار روی نظریه بازی‌ها زمانی آغاز شد که نوشته‌های «جان نش»^۳ را در دهه ۱۹۵۰ مورد مطالعه قرار داد. وی کار خود را از جایی که نش متوقف مانده بود، آغاز کرد. «یکی از فرض‌های ضمنی مفهوم «تعادل نش»^۴ این است که هر بازیگر ترجیحات سایر بازیگران را به درستی می‌داند، در حالی که در بسیاری از مواقع بازیگران فاقد اطلاعات کاملی در مورد خصوصیات دیگر بازیگران هستند» (Turocy and Stengel, 2001: 12-15). به همین جهت، هارسانی این پرسش را مطرح نمود که اگر این فرض (غالباً واقع‌گرایانه‌تر) را به بحث خود وارد کنیم که بازیگران اطلاعات ناقصی درباره بازیگران دیگر دارند، چه تغییری رخ می‌دهد. او فرض را بر این پایه قرار داد که کنشگران «انواع» مختلفی دارند. هر نوع، مجموعه‌ای از ترجیحات احتمالی را برای بازیگر و مجموعه‌ای از احتمالات ذهنی که بازیگر

۱. Bayesian Games

۲. John C. Harsanyi

۳. John Forbes Nash

۴. Nash Equilibrium

برای انواع دیگر کنشگران در نظر می‌گیرد، نمایان می‌سازد. از این رو هر بازیگر راهبردی را برای هر کدام از این انواع مختلف برمی‌گزینند. بر این اساس، در هر بازی با اطلاعات ناقص، بازی معادلی با اطلاعات کامل وجود دارد (Harsanyi, 1967: 163-182). علاوه بر بازیگران واقعی در این جریان، یک بازیگر خاص به نام «طبیعت»^۱ نیز وجود دارد که پیش از حرکت بازیکنان، نوع آن‌ها را مشخص می‌کند. با این تغییر، اطلاعات ناقص در مورد منفعت بازیکنان، به اطلاعات ناقص در مورد حرکت طبیعت در انتخاب نوع بازیگران تبدیل می‌شود (Dekel and et al, 2012: 3-11).

از دیگر سو، یکی از کاربردهای بازی‌های بیزی در مواقعی است که کنشگران سعی می‌کنند با رفتار خود به بازیگران دیگر در مورد نوع هدف خود علامت دهند. به طور نمونه در مسابقه تسلیحاتی یا در مذاکرات بین‌المللی بر سر مسائل مورد مناقشه، معمولاً کشورها با روش‌های مختلفی سعی در علامت‌دهی به کشور دیگر می‌کنند تا باور آن کشور را در مورد خود تحت تأثیر قرار دهند. در بازی‌های علامت‌دهی، معمولاً یک رهبر (فرستنده علامت) و یک پیرو (گیرنده علامت) وجود دارد. بازیکن پیرو در مورد نوع بازیگر رهبر اطلاعات کاملی ندارد؛ اما بازیگر رهبر با فرستادن علائمی سعی در متقاعد کردن پیرو در مورد اهداف خود می‌کند. در این راستا نیز معمولاً برای سادگی موضوع، فرض می‌شود نوع بازیکن پیرو مشخص است و در مورد وی اطلاعات کامل در بازی جریان دارد (Baliga and Sjostrom, 2004: 365). ظرف سه دهه گذشته تاکنون نیز، مدل‌های بیزی تا حد زیادی برای جنبه‌های گوناگون مناسبات بین‌الملل، از جمله عدم قطعیت، به کار برده شده‌اند. مسائلی چون مناقشات بین‌المللی، تشکیل اتحاد و ائتلاف، بازدارندگی، محدودیت‌های داخلی اثرگذار بر سیاست خارجی، و همین‌طور ایجاد اعتبار در عرصه اقتصاد سیاسی، از جمله موارد مهمی به شمار می‌روند که این مدل‌ها، به کمک استدلال قیاسی و از طریق تولید فرضیه‌هایی که به طریق تجربی آزمودنی

۱. Nature

هستند، از فعل و انفعالات پیچیده راهبردی پرده برمی‌دارند و در پرتو آن، به فهم ما از مناسبات بین‌المللی یاری می‌رسانند. این بازی با دیدگاه «اندرو کید» و نظریه «اعتماد و بی‌اعتمادی در روابط بین‌الملل» نیز در ارتباط تنگاتنگ قرار می‌گیرد (Kydd, 2005)؛ اما فارغ از این تلاش‌ها برای بسط نظریه‌های عمومی، پژوهشگران به ندرت برای تحلیل رویدادهای واقعی در جهان از مدل‌های بیزی استفاده کرده‌اند؛ هر چند که در بسیاری از این رویدادها، یک یا تعداد بیشتری از بازیگران با قطعیت از ترجیحات طرف مقابل اطلاع ندارند. برخی از این رویدادها نیز، با توجه به تأثیر بالقوه آنها بر امنیت منطقه‌ای و توجهی که پژوهشگران و سیاستمداران بدان‌ها می‌کنند، جالب توجه و در خور اهمیت هستند. از همین رو، این موارد می‌طلبند که پژوهش‌هایی مستقل با استفاده از مدل‌های بیزی صورت پذیرد و بحران آمریکا و کره شمالی می‌تواند یکی از این موارد باشد.

چارچوب تاریخی و مفهومی

می‌دانیم که از سال ۱۹۰۵ میلادی، شبه‌جزیره کره تحت حکومت ژاپنی‌ها اداره می‌شد و در تمام سال‌های جنگ جهانی دوم نیز تحت اشغال نیروهای این کشور قرار داشت. با بمباران اتمی ژاپن در سال ۱۹۴۵ و متعاقباً، شکست این کشور، شبه‌جزیره کره از سلطه و اشغال ژاپن آزاد شد. دو روز پس از بمباران اتمی هیروشیما در ششم اوت ۱۹۴۵، اتحاد جماهیر شوروی نیز به ژاپن اعلان جنگ داد و بر منچوری و شمال شبه‌جزیره کره هجوم برد. سپس نیروهای ایالات متحده آمریکا نیز از جنوب به این منطقه وارد شدند و با تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی «یالتا»^۱ (در کریمه) و «پوتسدام»^۲، به‌طور موقت این شبه‌جزیره در مدار سی‌وهشت درجه میان قوای شوروی و آمریکا به ترتیب از شمال و جنوب تقسیم گردید. بنابراین، در سال ۱۹۴۶ حزب

۱. Yalta Conference

۲. Potsdam Conference

کمونیست کره شمالی با حمایت شوروی تشکیل و «کیم ایل سونگ»^۱ به نخستین رهبر آن بدل شد. در سال ۱۹۴۸ نیز جمهوری دمکراتیک خلق کره اعلام موجودیت کرد. دو سال بعد، بخش جنوبی شبه جزیره کره اعلام استقلال نمود که متعاقب آن مورد حمله بخش شمالی قرار گرفت و به این ترتیب جنگ دو کره آغاز شد (Lee, 1996: 72-74). این جنگ نسبتاً بین‌المللی در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ توسط کره شمالی که البته گفته می‌شود با توصیه و حمایت اتحاد جماهیر شوروی و شخص استالین آغاز شد (Waxman, 2017: 3 and Armstrong, 2013: 11)، تا ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ به طول انجامید و به واسطه آن نیز حداقل دو میلیون و پانصد هزار نفر جان خود را از دست دادند (Chossudovsky, 2013). در این جنگ آمریکا و سازمان ملل (با حضور بیست کشور)^۲ به حمایت از کره جنوبی پرداختند و در مقابل چین نیز به جرگه کره شمالی و شوروی پیوست. پایان جنگ با انعقاد «قرارداد آتش‌بس»^۳ بین دو کره تحقق یافت و نیروهای ناظر آتش‌بس ملل متحد در منطقه حائل بین دو کشور مستقر شدند. بلافاصله با ظهور اختلافات دو کره و تشدید جانبداری ابرقدرت‌ها از متحد شمالی و جنوبی خود، تا پایان جنگ سرد در سال ۱۹۹۱، به دلیل مخالفت شوروی با عضویت کره جنوبی و متقابلاً مخالفت آمریکا با عضویت کره شمالی، هیچ‌یک از دو کره موفق به عضویت در ملل متحد نشدند. اما فروپاشی اتحاد شوروی به بیش از چهار دهه بن‌بست در این خصوص خاتمه داد (Trautler, 2015: 5). بدین ترتیب در ۸ اوت ۱۹۹۱ شورای امنیت بدون استفاده از حق وتو از سوی هیچ‌یک از اعضای دائمی خود، قطعنامه ۷۰۲ را با پذیرش رسمی کره شمالی و کره جنوبی به‌عنوان اعضای اصلی ملل متحد مورد تصویب

۱. Kim Il-sung

۲. جالب است که همین ۲۰ کشور جهان در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۸ در نشست ونکوور کانادا متعهد شدند برای وادار کردن کره شمالی به کنار گذاشتن برنامه تسلیحات هسته‌ای و موشکی خود، تحریم‌های شدیدتری را علیه این کشور به اجرا بگذارند.

۳. برای مشاهده کامل متن این قرارداد، رک به:

قرار داد. از سال ۱۹۹۴ نیز «کیم جونگ ایل»^۱ قدرت را به دست گرفت و با مرگ وی در دسامبر ۲۰۱۱، ظرف شش سال گذشته پسرش «کیم جونگ اون» بر مسند رهبری این کشور تکیه زده است.

حال برای تبیین این موضوع که چرا رابطه کره شمالی و آمریکا همچنان در بحران به سر می برد، ناگزیر باید به گذشته برگشت و ریشه آن را جستجو کرد. در سپتامبر ۱۹۵۶ آمریکا بر خلاف بند ۱۳ (د) قرارداد آتش بس کره، تصمیم گرفت تسلیحات هسته ای در خاک کره جنوبی مستقر کند. با وجود اینکه در این بند از توافقنامه آتش بس (مورخه ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳) مقرر شده بود «هیچ یک از طرفین حق ارسال سلاح های جدید به دو کره را ندارند؛ و تنها قادرند به جایگزینی قطعه به قطعه تجهیزات مبادرت ورزند» (Myong Chol, 1997)؛ اما در زمان ریاست جمهوری آیزنهاور، رئیس ستاد مشترک این کشور «دریاسالار رادفورد»^۲ نشان داد که سیاست و مقاصد نظامی ایالات متحده بر پایه انتقال سلاح های اتمی به کره جنوبی استوار شده است، و با وجود نگرانی متحدان این کشور و سازمان ملل متحد، در ۲۱ ژوئن ۱۹۵۷، ایالات متحده به نمایندگان کره شمالی اطلاع داد که این کشور دیگر خود را موظف به اجرای ماده ۱۳ (بند د) از توافقنامه آتش بس ۱۹۵۳ نمی داند. از همین رو در ژانویه ۱۹۵۸ موشک های هسته ای «Honest John» و توپ اتمی ۲۸۰ میلی متری توسط آمریکا در کره جنوبی مستقر شد، و یک سال بعد نیز «موشک های کروزر ماتادور»^۳ با قابلیت هسته ای و با برخورداری از بُرد بلند برای هدف قرار دادن چین و شوروی در ناحیه جنوبی شبه جزیره کره نصب و راه اندازی گردید (Selden and So, 2004: 27). در پاسخ به این سیاست واشنگتن، پیونگ یانگ نیز تاسیسات عظیم زیرزمینی از تسلیحات متعارف را در نزدیکی منطقه حائل ایجاد نمود (Scobell and Sanford, 2007: 40) و در سال ۱۹۶۳ کره

۱. Kim Jong-Il

۲. Admiral Radford

۳. Matador Cruise Missiles

شمالی از شوروی درخواست کسبِ تکنولوژی و تسلیحات هسته‌ای را ارائه داد؛ اما این درخواست توسط مقامات نظامی و سیاسی مسکو پذیرفته نشد و پکن نیز به درخواست مشابه پیونگ‌یانگ پاسخ منفی داد.

پس از فروپاشی شوروی، کره شمالی درصدد برآمد تا با آمریکا توافقی امنیتی از نوع قرارداد عدم تجاوز دست یابد؛ اما این پیشنهاد به این دلیل که کره شمالی پایبند توافقات قبلی نبوده و قابل اعتماد نیست، با مخالفت واشنگتن مواجه شد. ایالات متحده آمریکا معتقد بود که مذاکره با کره شمالی صرفاً باید از طریق گروه شش‌جانبه (شامل کره شمالی، کره جنوبی، آمریکا، روسیه، چین و ژاپن) صورت گیرد (Yongchool and Beomshik, 2006: 187). نظر به آنکه کره شمالی نیز این دست مذاکرات چندجانبه را با محوریت آمریکا به رسمیت نمی‌شناخت؛ لذا این مناقشه بدون راه‌حل به درازا کشید. اما در ژوئن ۲۰۰۰، تحول مهمی در روابط دو کره به‌وجود آمد و رهبر کره شمالی، کیم جونگ‌ایل، دعوت رییس‌جمهور کره جنوبی، «کیم دائه‌جونگ»^۱، را برای دیدار سران دو کشور پذیرفت (Kim, 2001: 143-141). به واسطه همین ابتکار و اقدام دائه‌جونگ و همچنین به خاطر تلاش وی در راه دموکراسی و حقوق بشر در کشور خود و در مجموع در آسیای شرقی و بخصوص برای صلح با کره شمالی که در قالب «سیاست طلوع خورشید»^۲ متجلی گردید، رییس‌جمهور کره جنوبی در سال ۲۰۰۰ جایزه نوبل صلح را دریافت نمود. سپس در سال ۲۰۰۱ هیات‌های مختلفی از هلند، سوئیس، اتریش و همچنین هیاتی از اتحادیه اروپا به ریاست نخست‌وزیر سوئد برای بررسی وضعیت کره شمالی به آن کشور سفر کردند تا امکان ارتقای روابط را ارزیابی کنند (Yonhap News Agency, 2003: 338-339). در سال ۲۰۰۲ نیز نخست‌وزیر ژاپن برای نخستین بار به کره شمالی سفر کرد که طی آن رهبر کره شمالی به جهت ربودن اتباع ژاپنی در دهه

۱. Kim Dae-jung

۲. Sunshine Policy

۷۰ و ۸۰ میلادی از ژاپن عذرخواهی نمود. در خلال این سال‌ها تصور می‌شد که کره شمالی به تدریج در حال خروج از انزوای سیاسی و اقتصادی است؛ و به دلیل همین جو مناسب، در سال ۲۰۰۳ با تلاش‌های دیپلماتیک چین، مذاکرات کره شمالی با آمریکا در قالب گروه شش‌جانبه شروع شد؛ اما در ادامه به واسطه مسائلی که شرح آن از نظر خواهد گذشت، از اهمیت این مذاکرات کاسته شد، و در سال‌های بعد بطلان تصور آشتی‌جویی مشهود گردید.

آمریکا، تحولات هسته‌ای کره شمالی و قطعنامه‌ها

فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی با انعقاد قرارداد همکاری‌های فنی با شوروی در فوریه ۱۹۵۶ آغاز گردید. بر اساس این قرارداد، کارشناسان کره شمالی برای آموزش به شوروی اعزام شدند. متعاقباً در سال ۱۹۵۹ قراردادی بین شوروی و کره شمالی به امضا رسید که طی آن مسکو متعهد شد تا یک مجتمع تحقیقات هسته‌ای صلح‌آمیز برای کره شمالی در منطقه «یونگبیون»^۱ دایر کند (Bolton, 2002: 2). در خلال دهه ۱۹۶۰، این مجتمع از طریق همکاری و کمک‌های فنی گسترده شوروی توسعه چشمگیری یافت. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، مرکز ثقل توسعه صنعتی کره شمالی بر برنامه هسته‌ای آن قرار داشت و در این دوران پروژه هسته‌ای آن رشد قابل توجهی یافت. به همین دلیل، فشارهای آمریکا بر شوروی افزایش پیدا کرد تا در مورد همکاری‌های هسته‌ای خود با کره شمالی تجدید نظر کند (Clements, 2016: 90-110). این فشارها نهایتاً سبب شد تا کره شمالی در ژوئیه ۱۹۷۷ قرارداد پادمان سه‌جانبه‌ای را با «اژانس بین‌المللی انرژی اتمی» و شوروی امضا کند و بدین ترتیب مجتمع یونگبیون زیر نظارت اژانس قرار گیرد. به‌علاوه، کره شمالی در قبال راه‌اندازی چهار راکتور آب سبک از شوروی، معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی.) را در ۱۲ دسامبر ۱۹۸۵ امضا کرد که شرط دریافت آن، امضای اولیه کره

۱. Yongbyon

شمالی بود. اما این راکتورها هیچگاه تحویل کره شمالی نگردید. به همین خاطر با وجود امضای ان.پی.تی توسط پیونگ یانگ، مقامات این کشور تا سه سال به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه ورود ندادند. لذا در سال ۱۹۸۶، یک راکتور حرارتی ۲۰ مگاواتی در منطقه یونگبیون فعالیت خود را آغاز نمود (Scobell and Sanford, 2007: 73).

در سپتامبر ۱۹۹۱ جرج بوش (پدر) رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که تسلیحات هسته‌ای خود را از خاک کره جنوبی خارج می‌کند و در دسامبر همان سال رئیس‌جمهور کره جنوبی رسماً اعلام کرد که در آن کشور دیگر سلاح هسته‌ای وجود ندارد. در فوریه ۱۹۹۲ نیز کره شمالی با «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» به توافق دست یافت که پس از چهار ماه بازرسان آژانس اجازه دسترسی به تأسیسات یونگبیون را کسب کردند. اما زمانی که در فوریه ۱۹۹۳ آژانس درخواست کرد تا از دو سایت مشکوک این کشور بازدید کند، کره شمالی با آن مخالفت نمود و این دو سایت را نظامی و غیرقابل بازرسی توصیف کرد. به دنبال این مخالفت، آژانس از شورای امنیت درخواست نمود تا کره شمالی را ملزم به بازدید بازرسان آژانس از دو سایت مورد نظر کند. کره شمالی نیز در ژوئیه ۱۹۹۳ اعلام کرد که از ان.پی.تی خارج می‌شود. واشنگتن نیز درست یک سال بعد سیاست دوگانه فشار دیپلماتیک و تهدید نظامی را علیه این کشور عملیاتی نمود. متعاقباً پیونگ یانگ هم اعلام نمود که تحریم‌های اقتصادی را «اقدام جنگی» تلقی کرده و با آن مقابله می‌کند. این بحران با سفر جیمی کارتر به عنوان فرستاده ویژه بیل کلینتون به کره شمالی، و ملاقات و توافق وی با کیم ایل‌سونگ در ژوئن ۱۹۹۴ فروکش کرد. متعاقباً موفقیت این دیدار منجر به تدوین یک «چارچوب توافق شده»^۱ بین آمریکا و کره شمالی در اکتبر ۱۹۹۴ گردید (Scobell and Sanford, 2007: 74). توافق مذکور دارای نکات مهم و قابل توجهی بود؛ از جمله این که کره شمالی عمده فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف کرده و آژانس این توقف را تأیید کند، و به «بیانیه

۱. Agreed Framework

مشترک هسته‌ای‌زدایی شبه‌جزیره کره» پایبند باشد؛ و در مقابل، آمریکا تضمین دهد که به تهدید و یا استفاده از سلاح هسته‌ای علیه کره شمالی مبادرت نخواهد کرد و برای تشکیل یک کنسرسیوم بین‌المللی برای ساخت دو راکتور آب سبک در کره شمالی پیش قدم شود. افزون بر آن، تا سال ۲۰۰۳ سالانه پانصد هزار تن نفت در اختیار کره شمالی قرار دهد، با این هدف و برنامه که در سال ۲۰۰۳ اولین راکتور آب سبک به مرحله عملیاتی شدن برسد.^۱

این «چارچوب توافق‌شده» پس از یک دهه با ناکامی مواجه شد. واشنگتن از عدم اجازه به بازرسان آژانس برای بازرسی فعالیت‌های گذشته کره شمالی ناخشنود بود و پیونگ‌یانگ از تاخیر در ساخت راکتور آب سبک رضایت نداشت. از همین رو در سال ۲۰۰۱، جرج بوش (پسر) نگاه سخت‌گیرانه‌تری نسبت به اجرای «چارچوب توافق‌شده» اعمال نمود. تحت چنین شرایطی، بوش در سخنرانی سالانه خود در کنگره از کره شمالی به عنوان «محور شرارت» نام برد. در ژوئیه ۲۰۰۲ نیز نهادهای اطلاعاتی آمریکا یک هواپیمای باری پاکستانی را ردیابی کردند که در یکی از فرودگاه‌های کره شمالی فرود آمده بود. مقامات آمریکائی معتقد بودند این هواپیمای فن‌آوری غنی‌سازی بالای اورانیوم را از پاکستان به کره شمالی منتقل نموده و در قبال آن، پرویز مشرف تکنولوژی ساخت موشک بالستیک را از کره شمالی دریافت کرده است (Sangernov, 2002). در اکتبر ۲۰۰۲ نیز «کنگ سک‌جو»^۲ - معاون وزیر خارجه کره شمالی - به «جیمز کلی»^۳ - فرستاده ویژه آمریکا در امور آسیای شرقی و اقیانوسیه - گفت که این کشور به برنامه تسلیحات هسته‌ای دست پیدا کرده است (IISS, 2004: 42). به همین جهت، آمریکا بر اساس ادعای خود، در دسامبر ۲۰۰۲ تحویل محموله‌های نفت به کره شمالی را متوقف کرد و کره شمالی هم

^۱. برای آگاهی بیشتر در خصوص جزئیات این توافق و تعهدات طرفین، بنگرید به انجمن کنترل تسلیحات:

<https://www.armscontrol.org/factsheets/agreedframework>

^۲. Kang Sok Ju

^۳. James Kelly

متقابلاً در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ رسماً اعلام کرد که از ان پی.تی خارج خواهد شد (Makhijani and et al, 2003: 3-7). اما در آوریل ۲۰۰۳ بنا به پیشنهاد چین، مذاکرات سه جانبه‌ای بین آمریکا، چین و کره شمالی با هدف پایان دادن به بحران هسته‌ای کره شمالی در پکن صورت گرفت که به مذاکرات شش جانبه (شامل کره شمالی، کره جنوبی، آمریکا، روسیه، چین و ژاپن) تبدیل شد. نهایتاً در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ مذاکرات شش جانبه به نتیجه رسید و گروه شش با امضای سندی تحت عنوان «بیانیه مشترک»^۱ از گسترش بحران کره جلوگیری کرد (Carlin and Lewis, 2008: 11-12). با این حال، پس از اجرائی نشدن مفاد بیانیه مشترک، آزمایش هسته‌ای کره شمالی در ۹ اکتبر ۲۰۰۶ به وقوع پیوست و بحران وارد مرحله تازه‌ای شد. شورای امنیت ملل متحد نیز بلافاصله واکنش نشان داد و با صدور قطعنامه ۱۷۱۸ تحریم‌هایی را علیه کره شمالی وضع و اعمال نمود. در ۱۳ فوریه ۲۰۰۷ گروه شش جانبه مجدداً تشکیل شد که در این دور از مذاکرات بر خلاف گذشته به جای واژه «فریز کردن»^۲، تنها بر «توقف»^۳ در خصوص برنامه هسته‌ای کره شمالی تأکید شد و بر اساس سند مورد توافق که «اقدامات مقدماتی برای اجرای بیانیه مشترک»^۴ نامگذاری و معرفی گردید، مقرر شد «کره شمالی در مقابل بسته تشویقی کمک‌های اقتصادی و انرژی، ظرف دو ماه، به تمام فعالیت‌های هسته‌ای خود خاتمه دهد، به ان پی.تی بازگردد و پادمان‌های آژانس را بپذیرد» (Carlin and Lewis, 2008: 17-18). بنابراین در قالب مذاکرات بعدی و تحت عنوان «برنامه عمل دوم»^۵، کره شمالی در ژوئن ۲۰۰۸ گزارشی از فعالیت‌های هسته‌ای خود را تسلیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمود (Lee, 2012: 320). از همین رو در اکتبر ۲۰۰۸ واشنگتن برای دستیابی به یک موفقیت

۱. Joint Statement

۲. Freezing

۳. Halting”

۴. Initial Actions for the Implementation of the Joint Statement

۵. Second Action Plan

پایدار در حوزه سیاست خارجی که حزب جمهوری خواه در اواخر دوره دوم دولت جرج بوش به شدت به آن نیاز داشت، کره شمالی را از فهرست «کشورهای حامی تروریسم» حذف نمود تا در گام بعدی، مقامات پیونگ یانگ را متعهد به مذاکرات جدی در مورد از کار انداختن تاسیسات هسته‌ای خود کند (Cooper, 2008). اما پرتاب راکت به فضا در مارس ۲۰۰۹ و دومین آزمایش هسته‌ای کره شمالی در ۲۵ مه همان سال، به اتفاق آرا به صدور قطعنامه ۱۸۷۴ در ۱۲ ژوئن همان سال در شورای امنیت ملل متحد منجر شد که طبق آن و با صحنه گذاشتن مجدد بر قطعنامه ۱۷۱۸ مورخه اکتبر ۲۰۰۶، شورا این اقدام را مورد «شدیدترین محکومیت» قرار داد و با ممنوعیت‌های گسترده، از این کشور خواست از این پس به انجام چنین آزمایش‌هایی یا هرگونه پرتاب موشک بالستیک اقدام نکند (Nikitin and et al, 2010: 9-18). سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ نیز به واسطه افزایش درگیری‌ها و تنش‌ها میان دو کره، بحران شبه جزیره شدت گرفت؛^۱ اما مرگ کیم جونگ ایل در اواخر ۲۰۱۱ فضا را برای احیای مذاکرات و توافق محدود این کشور با آمریکا در فوریه ۲۰۱۲ مهیا نمود. با امتناع آمریکا از ارسال کمک‌های غذایی به کره شمالی و متعاقباً پرتاب موشک حامل ماهواره به فضا توسط این کشور در آوریل و دسامبر ۲۰۱۲، شورای امنیت در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳ قطعنامه ۲۰۸۷ را علیه پیونگ یانگ به تصویب رساند که همین بهانه‌ای دست داد تا در ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ کره شمالی به سومین آزمایش هسته‌ای خود مبادرت ورزد و قطعنامه ۲۰۹۴ شورای امنیت را در ۷ مارس ۲۰۱۳ به جان بخرد، تا ضمن محکومیت، شاهد عملیاتی شدن تحریم‌های شدید علیه خود باشد. در پاسخ به این قطعنامه نیز، کره شمالی آمریکا و کره جنوبی را به حمله هسته‌ای تهدید کرد (European Parliament Report, 2017: 16-17). در ادامه نیز در ششم ژانویه ۲۰۱۶، کره شمالی چهارمین آزمایش هسته‌ای خود

۱. به طور نمونه، در ۲۶ مارس ۲۰۱۰ کره شمالی به یک کشتی کره جنوبی به نام Cheonan در آبهای بین جزیره Baengnyeong و جزیره Daecheong در دریای زرد حمله و آن را غرق کرد که موجب کشته شدن ۴۶ سرنشین آن گردید. در نوامبر همین سال کره شمالی به جزیره یون پیونگ کره جنوبی حمله کرد که تعدادی کشته بر جای گذاشت.

را انجام داد که زلزله‌ای ۵/۱ ریشتری به همراه داشت. در پی آن، کیم جونگ‌اون، رهبر جوان این کشور اعلام کرد که پیونگ‌یانگ یک بمب هیدروژنی ساخته است؛ ادعایی که با محکومیت جهانی و البته بدبینی کارشناسان بین‌المللی مواجه گردید (1: Rezaei, 2017)؛ به طور نمونه «زیگفرید هکر»^۱، متخصص منع گسترش تسلیحات و یکی از بازرسان تأسیسات هسته‌ای کره شمالی نخست بیان داشت که «پیونگ‌یانگ اساساً فاقد توانایی‌های لازم برای انجام چنین آزمایشی است و تنها در این آزمایش از سوخت هیدروژنی برای قدرت انفجاری بیشتر استفاده کرده است» (Fyffe, 2016). اما با آزمایش بمب هسته‌ای این کشور در سپتامبر ۲۰۱۷ که قدرت انفجار آن برابر با ۲۰۰ تا ۲۵۰ کیلو تن تی‌ان‌تی بود، وی در مقاله‌ای در «فارن افرز» تأیید نمود که احتمالاً کره شمالی به بمب هیدروژنی دست پیدا کرده است (Hecker, 2017). یک ماه بعد از آن یعنی هفتم فوریه ۲۰۱۶ کره شمالی اعلام نمود که موشک دوربرد جدید «ستاره درخشان ۴»^۲ را با موفقیت پرتاب کرده است (Panda, 2016). شورای امنیت هم در دوم مارس ۲۰۱۶، قطعنامه ۲۲۷۰ را در خصوص آزمایش بمب هیدروژنی و موشک ستاره درخشان تصویب نمود که موارد متعددی از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها شامل «آموزش، شناسایی افراد مرتبط با برنامه تسلیحاتی و هسته‌ای این کشور، انجام بازرسی‌های باری، منع عرضه و فروش حمل‌ونقل هوایی، منع صدور انرژی، سوخت و زغال سنگ، آهن، سنگ آهن و مواد نادر مواد معدنی و ...»^۳ را برای کره شمالی به همراه آورد. همین امر باعث شد کره شمالی در ۹ سپتامبر ۲۰۱۶، پنجمین آزمایش هسته‌ای خود را انجام دهد.

نکته قابل توجه این است که پیش از این، فاصله هر آزمایش هسته‌ای پیونگ‌یانگ به طور متوسط سه ساله بود؛ در حالی که دو آزمایش اخیر این کشور در سال ۲۰۱۶، تفکر

۱. Siegfried Hecker

۲. Kwangmyongsong-4

۳. برای جزئیات بیشتر در مورد این قطعنامه، رک به:

راهبردی رهبر جوان این کشور را در راستای دستیابی به بازدارندگی هسته‌ای از طریق اقدام عملی در سریع‌ترین زمان ممکن نشان می‌دهد (SIPRI, 2017: 2). برای فهم دلایل این امر، شاید بتوان به نگرانی مقامات کره شمالی از پایان یافتن دوران اوباما، که سیاست «صبر استراتژیک»^۱ را در قبال این کشور در پیش گرفته بود اشاره کرد و در نقطه مقابل آن، این مهم می‌تواند به رقابت‌های انتخاباتی ایالات متحده آمریکا و مواضع سختگیرانه هر دو نامزد دموکرات و جمهوری‌خواه برگردد که لاجرم احساس ناامنی حاصل از آن، مقامات پیونگ‌یانگ را به تسریع در انجام آزمایشات موشکی و هسته‌ای وا داشته است.

با نگاهی اجمالی به نمودارهای موجود در خصوص آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی، به وضوح افزایش تعداد آزمایشات موشکی کره شمالی در سال ۲۰۱۶ را نشان می‌دهد که خود حاکی از نگرانی مقامات این کشور و عدم قطعیت در خصوص سیاست‌های هر دو نامزد ریاست‌جمهوری در آمریکا یعنی هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ بوده است. بنابراین در این سال کره شمالی دو سلاح هسته‌ای آزمایش کرد، بیست موشک بالستیک راه‌اندازی و یک ماهواره به مدار ارسال نمود و به پیشرفت‌هایی در پرتاب «موشک بالستیک زبردریایی»^۲ و «موشک‌های بالستیک قاره‌پیما»^۳ دست یافت (Bell and Milani, 2017). قطعنامه ۲۳۷۱ شورای امنیت ملل متحد نیز در تاریخ ۵ اوت ۲۰۱۷ به‌منظور تقویت تحریم‌های کره شمالی به دلیل دو آزمایش موشک بالستیک انجام شده در تاریخ‌های ۳ و ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۷، به اتفاق آرا به تصویب رسید و در قالب آن از کره شمالی می‌خواهد که برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک خود را متوقف کند. نهایتاً در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۷، قطعنامه ۲۳۹۷ شورای امنیت سازمان ملل در پاسخ به آزمایش موشک‌های بالستیک پیونگ‌یانگ در ۲۹ نوامبر به اتفاق آراء، مجموعه جدیدی از تحریم‌های شدید در مورد کره شمالی را به تصویب رساند که عملاً راه‌های دسترسی به انرژی و سوخت این

۱. Strategic Patience

۲. SLBM

۳. ICBM

کشور را تا سقف ۸۹ درصد محدود می‌کند و همچنین ظرف دو سال، کشورهای پذیرنده کارگران کره شمالی در خارج از کشور را موظف کرده است که اتباع این کشور را اخراج کنند. بنابراین از آغاز سال ۲۰۱۶، شورای امنیت ملل متحد پنج قطعنامه جدید علیه کره شمالی به تصویب رسانده است که این قطعنامه‌ها در میان شدیدترین و سخت‌ترین مجازات‌هایی است که ملل متحد برای یک کشور عضو اعمال نموده و به طور هدفمند منابع درآمد و تجارت آن را هدف قرار داده است.

دوران ترامپ و تشدید بحران

از زمانی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا قدرت را در ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی در این کشور بدست گرفته است، شاهد راهبردی سرسختانه از سوی واشنگتن و پنتاگن در قبال کره شمالی هستیم؛ چرا که جهان‌بینی ترامپ به تأسی از مشاور اسبق خود «استیو بنن»^۱ بر مبنای ساخت «اول آمریکا»، «احیای دوباره آمریکای بزرگ» و «بازگشت به گذشته آرمانی» استوار شده است که در شعارهای تبلیغاتی خود مطرح کرده بود (Bell and Milani, 2017). بر همین اساس، «جیمز ماتیس»، وزیر دفاع دولت جدید ایالات متحده، در اولین سفر خارجی خود به کره جنوبی و سپس ژاپن رفت تا اهمیت منطقه اقیانوس آرام را برای منافع امنیتی آمریکا عیان‌تر کند. «رکس تیلرسون» - وزیر خارجه ترامپ - هم صراحتاً گفته است که دوران دیپلماسی و صبر استراتژیک به پایان رسیده و شمار رزمایش‌ها، نیروهای نظامی و تعداد تسلیحات این کشور در شبه‌جزیره کره هر روز سیر صعودی به خود خواهد دید (Graham D., 2017: 7). در شرایطی که تصور می‌شد ترامپ به پیروی از شعارهای انتخاباتی خود به تدریج ۲۸ هزار و پانصد نیروی نظامی خود را از کره جنوبی بیرون کشیده و از شمار ۵۰ هزار نظامی خود در ژاپن بکاهد و مسایل امنیتی منطقه را به خود آنها واگذار کند، وضعیت کاملاً بر عکس شده و نظامی‌گری واشنگتن در منطقه و جهان به شدت افزایش یافته

۱. Steve Bannon

است.^۱ این کشور از یک سو و در پی آزمایش‌های موشکی و اتمی کره شمالی در سال ۲۰۱۶، سخت‌ترین تحریم‌ها را به اجرا گذاشته شده است و از طرف دیگر با کره جنوبی و ژاپن در حال برگزاری رزمایش‌های دوجانبه و سه‌جانبه در اطراف منطقه شبه‌جزیره کره است. آخرین رزمایش مشترک آمریکا و کره جنوبی، رزمایشی بزرگ و ۵ روزه با حضور ۲۳۰ جنگنده (از جمله جنگنده‌های اف ۲۲ و اف ۳۵) و ۱۲ هزار نظامی آمریکایی در چهارم دسامبر ۲۰۱۷ بود (Reuters, Dec 4, 2017).

در این راستا، کره شمالی نیز برای مقابله با ایالات متحده و هم‌پیمانان آن، بر سیستم‌های موشکی کوتاه‌برد و میان‌برد شامل مجموعه‌ای از توپخانه‌ها و راکت‌های کوتاه‌برد، همچون موشک‌های قدیمی اسکاد، سیستم‌های موشکی NoDong و موشک‌های جدید سوخت جامد سری SS-21 موسوم به KN-02 تکیه کرده است. کره شمالی همچنین براساس پلت‌فرم ماهواره‌برهای Tapeodong-2، به دنبال توسعه فن‌آوری موشک‌های بالستیک برد بلند خود است. این کشور دو موشک بالستیک دور برد دیگر را نیز در دست توسعه دارد، موشک‌های KN-14 KN-08 که ادعا شده است قادر به حمل سلاح هسته‌ای تا خاک آمریکا هستند. اما در حال حاضر دور بردترین موشک کره شمالی Hwasong-15 نام دارد و بردی معادل ۱۳ هزار کیلومتر برای آن تخمین زده شده است. همچنین موشک Tapeodong-2 از جمله موشک‌های قاره پیمای این کشور است که ۴ هزار کیلومتر برد آن برآورد شده است. این موشک در عین حال به عنوان ماهواره‌بر نیز بکار برده می‌شود (Schilling, 2017: 3-8).

^۱ در همین ارتباط، دونالد ترامپ برخلاف سنت معمول رؤسای جمهوری آمریکا، در ۱۸ ژانویه سال جاری، در جلسه‌ای محرمانه در مقر پنتاگون، با صدور فرمانی اجرایی، خواستار برگزاری رژه‌ای نظامی (به سبک رژه نظامی فرانسه) در واشنگتن دی.سی شده است؛ که به نوبه خود، این موضوع در بردارنده روحیه جنگ‌طلبی و قدرتمندی وی در قبال بحران کره شمالی است. در این زمینه، رک به:

Greg Jaffe and Philip Rucker, (2018), Trump's 'marching orders' to the Pentagon: Plan a grand military parade, Washington Post, February 6.

انواع موشک‌های کره شمالی (تولید شده و در حال توسعه)

نام موشک	برد / کیلومتر	کلاس موشک	وضعیت
KN - 02	۱۲۰-۱۷۰	بالستیک کوتاه برد	عملیاتی
KN - 01	۱۶۰	ضد کشتی	عملیاتی
Hwasong-5	۳۰۰	بالستیک کوتاه برد	عملیاتی
Hwasong-6	۵۰۰	بالستیک کوتاه برد	عملیاتی
Hwasong-7	۷۰۰-۸۰۰	بالستیک کوتاه برد	عملیاتی
KN-11	۹۰۰	بالستیک زیردریایی پرتاب	در حال توسعه
No-Dong	۱۲۰۰-۱۵۰۰	بالستیک میان برد	عملیاتی
Taepodong-1	۲۰۰۰-۵۰۰۰	بالستیک دور برد	از رده خارج
BM-25 Musudan	۲۵۰۰-۴۰۰۰	بالستیک دور برد	در حال توسعه
Taepodong-2	۴۰۰۰-۱۵۰۰۰	بالستیک قاره پیما / ماهواره بر	عملیاتی
KN-08	۴,۵۰۰-۱۱,۵۰۰	بالستیک قاره پیما	در حال توسعه
KN-14	۵,۵۰۰-۱۱,۵۰۰	بالستیک قاره پیما	در حال توسعه
Hwasong-15	۱۳۰۰۰	بالستیک قاره پیما	عملیاتی

از طرفی، برآورد کارشناسان و متخصصان کره جنوبی در آوریل ۲۰۱۶ از این حکایت داشته است که «کره شمالی حدود ۲۰ بمب هسته‌ای در اختیار دارد و هر ماه می‌تواند یک بمب دیگر به آن اضافه کند (Brunnstrom and Spetalnick, 2017). همچنین بر اساس گزارش سپتامبر ۲۰۱۶ اندیشکده ۳۸ نورث (38 North) - که مشخصاً مسائل و تحولات کره شمالی را پوشش می‌دهد - این کشور زرادخانه‌ای با ۳۲ تا ۵۴ کیلوگرم پلوتونیوم در اختیار دارد که برای ساخت ۶ الی ۸ بمب از این نوع کفایت می‌کند (Hecker, 2016: 5). از همین رو ترامپ معتقد است این بحران به عنوان میراثی از سه دولت کلینتون، بوش و اوباما در دامن دولت وی قرار گرفته‌است و او نباید و نمی‌تواند اشتباهات گذشته را تکرار کند.

لحن تهاجمی دولت ترامپ و پاسخ‌های جدی کره شمالی با انجام آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای منظم (در سرپیچی از قطع‌نامه‌های شورای امنیت) این گمانه را تقویت کرده است که ممکن است بحران شبه‌جزیره کره با اشتباه محاسباتی یکی از طرفین، جنبه نظامی واقعی به خود بگیرد. به‌طور نمونه، دونالد ترامپ، در آستانه برگزاری نشست واشنگتن - پکن در فلوریدا با حضور شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین، در مصاحبه با روزنامه «فاینشال تایمز» اعلام کرد که اگر پکن بر کره شمالی برای متوقف کردن برنامه اتمی‌اش اعمال نفوذ نکند؛ واشنگتن این کار را به تنهایی انجام خواهد داد (Mitchell and Sevastopulo, 2017). در این راستا کاخ سفید در ۲۶ آوریل ۲۰۱۷ و در اقدامی غیرمعمول، تمامی اعضای ۱۰۰ نفره سنای آمریکا را برای قرار گرفتن در جریان گزارشی درباره کره شمالی فراخواند (Zengerle, 2017) و طبق اعلام پنتاگون، ناوگروه‌هایی تحت هدایت ناو هواپیمابر «یواس.اس. کارل وینسون»، «یواس.اس. رونالد ریگان» و همچنین زیردریایی اتمی «یواس.اس. میشیگان» را به شهر بندری «بوسان» در سواحل کره جنوبی اعزام نمود که موقعیت تهاجمی آنها، گمانه‌ها را برای تشدید بحران افزایش داد.

اما به تعبیر «استفن والت»، سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ نیز چندان تغییر اساسی به خود ندیده و همان اشتباهات دولت‌های گذشته نیز در این دولت در حال رخ دادن است (Walt, 2018). به‌عنوان نمونه در زمان کارزارهای انتخاباتی، دونالد ترامپ به صراحت باراک اوباما را به خاطر عقب‌نشینی از تعیین خط قرمز برای بشار اسد در قضیه حمله شیمیایی ۲۰۱۳ در سوریه مورد سرزنش قرار می‌داد و آن رویداد را مایه کاهش اعتبار و قدرت ایالات متحده آمریکا در جهان قلمداد نمود. اما در قضیه کره شمالی نیز این موضوع در مورد خود ترامپ با دامنه وسیع‌تری صادق است. در نظر بگیریم زمانی که به دستور وی، ناوهای آمریکائی مستقر در دریای مدیترانه، ۵۹ فروند موشک تام‌هاوک به پایگاه نظامی الشعیرات سوریه شلیک کردند، به واسطه غرور ناشی از ابعاد رسانه‌ای این ماجرا، ترامپ بلافاصله گفت اگر چین در قضیه کره شمالی همراهی

نکند ما به تنهایی بحران کره شمالی را نیز فیصله خواهیم داد. اما وقتی در روز تاریخی استقلال آمریکا (چهارم ژوئیه ۲۰۱۷)، کره شمالی یک موشک بالستیک آزمایش کرد و کیم جونگ اون در حرکتی تحقیرآمیز، شلیک آن موشک را یک هدیه به آمریکا تلقی نمود (Graham C., 2017)، در پاسخ، رئیس جمهور آمریکا، تنها در حساب شخصی خود در توئیتر به این آزمایش واکنش نشان داد و گفت:

«کره شمالی همین الان یک موشک دیگر پرتاب کرد. بعید است کره جنوبی و ژاپن بیش از این بتوانند این وضعیت را تحمل کنند. شاید لازم باشد چین با انجام یک اقدام سنگین علیه کره شمالی، یکبار و برای همیشه به این وضعیت مزخرف پایان دهد».

در اواخر ژوئیه ۲۰۱۷ نیز ترامپ در پست‌های توئیتری خود نوشت:

«از چین بسیار ناامید هستم. آنها هیچ کاری برای ما در مورد کره شمالی انجام نمی‌دهند. فقط حرف می‌زنند. دیگر اجازه نمی‌دهیم این وضعیت ادامه یابد. چین به راحتی می‌تواند این مساله را حل کند».

توییت‌های پی در پی ترامپ و درخواست‌های او از چین از یک طرف نشان می‌دهد سیاست واشنگتن در قبال کره شمالی با بن بست مواجه شده است و از طرف دیگر رویکرد نظامی و تهاجمی وی ذهن تحلیلگران و مقامات سیاسی در جهان را به این سمت سوق می‌دهد که هر آن ممکن است ترامپ با اتخاذ تدابیری، جنگ علیه کره شمالی را آغاز کند. در نبود همین اطلاعات شفاف و سردرگمی، هنری کیسینجر پیشنهاد کرده است که دولت ترامپ نیازمند رویکرد جدید و متفاوتی برای اقناع چین جهت اتخاذ موضعی جدی‌تر در برابر کره شمالی است. به اعتقاد وی ابتدا باید با چین در مورد تبعات فروپاشی کره شمالی به توافق رسید. این توافق می‌تواند شامل موارد متعددی باشد: «تعهد آمریکا به عقب کشیدن بخش زیادی از نیروهایش از شبه جزیره پس از فروپاشی کره شمالی؛ و کاستن از ترس چین که با از میان رفتن «دولت حائل» کره شمالی، نیروهای آمریکایی مستقیم در برابر چین و مرزهای این کشور قرار می‌گیرند و احتمال سرشاخ شدن مستقیم دو کشور فراهم‌تر می‌شود» (Sang-Hun and

(Sangerjuly, 2017). اما چینی‌ها هم همچون کره شمالی نسبت به آمریکا بی‌اعتمادند و باوری هم به تعهد این کشور ندارند. آنها می‌گویند همان‌طور که پس از فروپاشی دیوار برلین ادغام روسیه در غرب عملی نشد، ممکن است با فروپاشی کره شمالی نیز تعهدات آمریکا رنگ واقعیت به خود نگیرد. لذا چینی‌ها کره شمالی ضعیف را تقدیم ترامپ نخواهند کرد. اکنون با وجود چنین فضایی از بی‌اعتمادی و اطلاعات ناقص، نظریه بی‌زی را در خصوص این بحران مورد استفاده قرار می‌دهیم.

کاربست بازی بی‌زی

دونالد ترامپ، در نشست گروه هفت در بروکسل (۲۶ مه ۲۰۱۷) به هم‌پیمانانش قول داد مشکل بزرگ کره شمالی بزودی حل می‌شود (Berenson, 2017). ادعایی بزرگ که به لحاظ شیوه و اهداف، با ابهام و تردیدهای زیادی همراه است. وی مشخص نکرد مقصود صرفاً راه‌حل نظامی و حملهٔ پیش‌دستانه است یا سیاستی دیگر را در نظر دارد. کره شمالی نیز سیاست ابهام را در پیش گرفته است؛ پر واضح است که بسته به نیات واقعی کره شمالی، کره جنوبی و آمریکا هم تصمیم‌های متفاوتی را برای گزینش بهترین مسیر ممکن اتخاذ می‌کنند. بدون داشتن اطلاعات کامل نیات واقعی ترامپ و کیم، بهترین روش برای فهم این بحران چه خواهد بود؟ با توجه به عدم قطعیت در مورد نیات کره شمالی و آمریکا، این‌کش‌وقوس‌های امنیتی و نظامی ممکن است چه نتیجه‌ای در بر داشته باشند؟ در این رابطه، بازی‌های بی‌زی ابزارهایی را در اختیارمان قرار می‌دهد؛ ابزارهایی که تا حدودی قادر به تحلیل موقعیت‌هایی هستند که در آنها دست‌کم یک بازیگر به قطع و یقین نمی‌داند که ترجیحات واقعی بازیگر مقابل چیست.

الف) مدل شماره یک: اثرگذاری متقابل کره شمالی و جنوبی

دو احتمال در مورد رهبری کره شمالی وجود دارد: رهبر صادق و رهبر فریبکار. رهبر صادق به‌راستی برای گشودن مرزهای کشور به روی کره جنوبی (و تنش‌زدایی با

آمریکا) تلاش می‌کند: همچون سفر بلندپایه‌ترین مقام کره شمالی «کیم یونگ‌نام»^۱ به کره جنوبی پس از ۶۵ سال در قالب افتتاح بازی‌های المپیک زمستانی پیونگ‌چانگ. رهبر فریبکار نیز می‌کوشد که از کمک‌های خارجی استفاده کند و موقتاً تنش‌های شبه‌جزیره کره را کاهش دهد تا زمانی که کره شمالی بر مشکلات اقتصادی‌اش فائق آید. در زمان انتخابات ریاست جمهوری کره جنوبی در سال ۱۹۹۷، کیم دائه‌جونگ، که یکی از نامزدهای انتخابات بود، وعده داد که روابط کشورش را با کره شمالی بهبود می‌بخشد. وی از زمان برگزیده شدن به ریاست جمهوری، پیوسته گفته بود که دولتش از دیدار سران و آشتی میان دو کشور استقبال می‌کند. این سیاست به سیاست «طلوع آفتاب» مشهور شد. اکنون نیز رئیس‌جمهور جدید کره جنوبی «مون جائه‌این»^۲ همزمان با مراسم تحلیف خود (دهم می ۲۰۱۷) اعلام کرد، آماده است تحت شرایط مناسب به کره شمالی سفر کرده و درباره بلندپروازی‌های اتمی و موشکی پیونگیانگ با این کشور مذاکره کند (Cheng and Lee, 2017). پس بازی ما در این بخش با پاسخ کره شمالی به پیشنهاد دولت مون جائه‌این مبنی بر دیدار سران دو کشور آغاز می‌شود. در این بازی، «طبیعت» حرکت نخستین را آغاز و تعیین می‌کند که کره شمالی از کدام نوع (صادق یا فریبکار) باشد. سپس، کره شمالی یا می‌تواند پیشنهاد رییس‌جمهور کره جنوبی مبنی بر ایجاد رابطه را بپذیرد و یا نپذیرد. اگر کره شمالی نپذیرد، «وضع موجود» ادامه پیدا می‌کند. اگر سازش را انتخاب کند، کره جنوبی فرصت می‌یابد که تصمیم بگیرد کاملاً سازش کند یا نکند. اگر سؤال به نوعی تصمیم بگیرد که از تعهدش به گفتگو پا پس بکشد، پس سازش کره شمالی از طرف کره جنوبی رد شده است («عدم پذیرش از سوی کره جنوبی»). اگر کره جنوبی کاملاً همکاری کند و کره شمالی در نقطه‌ای در آینده از روند سازش دست بردارد، آن‌گاه نتیجه، «بهره‌برداری کره شمالی» خواهد بود. اگر کره

۱. Kim YongNam

۲. Moon Jae-in

شمالی کاملاً به روند سازش پایبند بماند («سازش»)، آن‌گاه، نتیجه «آشتی» خواهد بود که به همکاری بلندمدت و احتمالاً، اتحاد مسالمت‌آمیز دو کره منجر خواهد شد. همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، این «شکل گسترده» به اجمال روابط اخیر میان دو کره را توضیح می‌دهد. برای آن که تعادل این بازی را حل کنیم، نخست باید ساختار ترجیحی بازیگران را مشخص سازیم. در مورد ترجیحات بازیگران می‌توانیم چند فرض را مطرح‌نظر قرار دهیم که در آنها مناقشه‌ای نیست. مثلاً، مرجح‌ترین نتیجه برای کره جنوبی «آشتی» است و کمترین ترجیحش «بهره‌برداری کره شمالی» است. «عدم پذیرش از سوی کره جنوبی» جایی میان این دو قرار می‌گیرد. بنا به تعریف ارائه شده، کره شمالی صادق «آشتی» را بر «بهره‌برداری» ترجیح می‌دهد؛ به‌ویژه که اکنون به‌واسطه فشار اقتصادی ناشی از چندین قطعنامه ملل متحد قاعداً می‌بایست در چنین مسیری گام بردارد. حال آن‌که کره شمالی فریبکار «بهره‌برداری» را بر «آشتی» مرجح می‌داند. صرف‌نظر از این‌که با کدام کره شمالی طرف باشیم، «آخرین ترجیح» این کشور «عدم پذیرش از سوی کره جنوبی» خواهد بود. نهایتاً اطلاعات بالا به شرایط نامساوی زیر منجر می‌شود.

کره جنوبی: آشتی << عدم پذیرش از سوی کره جنوبی << بهره‌برداری کره شمالی
کره شمالی صادق: آشتی << بهره‌برداری کره شمالی << عدم پذیرش از سوی کره جنوبی
کره شمالی فریبکار: بهره‌برداری کره شمالی << آشتی << عدم پذیرش از سوی کره جنوبی

این موضوع باعث می‌شود که «وضع موجود»، در ارتباطش با سایر نتایج احتمالی، به تنها گزینه‌ای بدل شود که محل بحث‌های بالقوه است. نزد کره جنوبی، «وضع موجود» به احتمال زیاد درست جلوی «عدم پذیرش از سوی کره جنوبی» قرار می‌گیرد؛ زیرا دولت مون جائه‌این واقعاً از پیشنهاد دیدار سران و آشتی و سپس کناره‌گیری از مذاکرات، پس از پذیرش پیشنهاد از طرف کره شمالی، («عدم پذیرش از سوی کره جنوبی») چیزی عایدش نخواهد شد؛ همان‌طور که همتایان وی در گذشته نیز ناکام

مانده‌اند. برای کره شمالی صادق، «وضع موجود» احتمالاً اندکی بالاتر یا پایین‌تر از «بهره‌برداری کره شمالی» قرار می‌گیرد. حال آن‌که برای کره شمالی فریبکار، «وضع موجود» نزدیک «آشتی» قرار می‌گیرد. همان‌طور که در ادامه نشان خواهیم داد، تا زمانی که «وضع موجود» اولویت اول یا آخر کره شمالی نباشد، محل «وضع موجود» در رده‌بندی ترجیحات این کشور بر نتیجه‌گیری ما اثری نخواهد گذاشت. با شرایط نامساوی بالا، حال آماده‌ایم که شرایط تعادل را حل کنیم.

پاسخ تعادل این بازی چندین بینش راجع به تعامل کره جنوبی و کره شمالی عرضه می‌کند. فارغ از این‌که با چه نوع کره شمالی‌ای طرف باشیم، رفتار این کشور یکسان و انعطاف‌ناپذیر خواهد بود. یعنی این‌که رهبری کره شمالی واقعاً صادق باشد و یا فریبکار؛ این کشور یا پیوسته روند سازش را در پیش خواهد گرفت و یا پیوسته با آن مخالفت خواهد کرد. این امر موجب خواهد شد که کار کره جنوبی در گردآوری اطلاعات راجع به نیت واقعی کره شمالی دشوار شود. دوم، کره جنوبی باید به ارتباط با کره شمالی فقط در صورتی ادامه دهد که نسبتاً مطمئن باشد که کره شمالی واقعاً به اصلاح نظام خود در بلندمدت علاقه‌مند است. در غیر این صورت، کره جنوبی باید از سازش اولیه خود پا پس بکشد حتی اگر این کار، هم در داخل و هم در خارج از شبه‌جزیره کره، به قیمت بی‌اعتبار شدن دولت دموکرات مون جائه‌این منجر شود. در نتیجه کره شمالی، فارغ از این‌که به راستی صادق باشد یا فریبکار، نخواهد کوشید به کره جنوبی بقبولاند که صادق است. این ذهنیت نزد مقامات کره شمالی بی‌شک وابسته به متغیر آمریکا در روابط راهبردی آن با کره جنوبی شکل گرفته و بر ساخته شده است.

ب) مدل شماره دو: اثرگذاری متقابل آمریکا - کره شمالی

در این مرحله مدلی خواهیم ساخت که در آن سیاست‌گذاران آمریکایی، در مورد نیت واقعی کره شمالی به تردید دچارند. اما این مدل پیچیده‌تر از تعامل کره شمالی و جنوبی است؛ چرا که بنا به دلایلی معتقدیم که سیاست‌گذاران کره شمالی نیز مطمئن

نیستند که آیا آمریکا واقعاً می‌خواهد که با کره شمالی به آشتی نهایی دست پیدا کند یا نه. در اینجا هم مثل مورد قبل دو احتمال در مورد رهبری کره شمالی وجود دارد که طبیعت انتخاب کرده است: رهبر صادق و رهبر فریبکار. افزون بر این، در مورد آمریکا هم با دو نوع رهبری روبرو هستیم که به دلیل نداشتن واژگان بهتر، آنها را جنگ‌طلب^۱ و صلح‌طلب^۲ می‌نامیم. کره شمالی در نخستین حرکت خود می‌تواند داوطلبانه روند سازش را قبول کند یا نکند. به دلیل درهم‌تنیدگی موقعیت‌ها در مناسبات بین‌الملل، می‌توانیم فرض کنیم که این موقعیت زمانی رخ می‌دهد که کره شمالی، در بازی نخست، به پیشنهاد کره جنوبی برای گفتگو پاسخ مثبت می‌دهد. اگر سازش را انتخاب کند، آمریکا فرصت می‌یابد که تصمیم بگیرد سازش کند یا نکند. اگر کره شمالی سازش کند و آمریکا هم پاسخ دهد، نتیجه آن «آشتی با ابتکار عمل کره شمالی» خواهد بود. اگر آمریکا پاسخ ندهد، آن‌گاه سازش کره شمالی با «عدم پذیرش از سوی آمریکا» مواجه شده است. اگر کره شمالی آغازکننده سازش نباشد، آن‌گاه آمریکا باید بین آغاز کردن و آغاز نکردن سازش یکی را انتخاب کند. اگر آمریکا تصمیم بگیرد که سازش را آغاز نکند، آن‌گاه نتیجه، «حفظ وضع موجود» خواهد بود. اگر آمریکا سازش را انتخاب کند، کره شمالی فرصت می‌یابد که تصمیم بگیرد پاسخ مصالحه دهد یا ندهد. اگر کره شمالی کاملاً با روند سازش همکاری کند، آن‌گاه نتیجه «آشتی با ابتکار عمل آمریکا» خواهد بود. اگر کره شمالی این کار را نکند، آن‌گاه پیشنهاد آمریکا با «عدم پذیرش از سوی کره شمالی» مواجه می‌شود.

در اینجا برای تحلیل بهتر بازی، نخست باید ساختار ترجیحی بازیگران را مشخص سازیم. در مورد ترجیحات بازیگران می‌توانیم چند فرض را قائل شویم که در آنها مناقشه چندانی نیست. بنا به تعریف، کره شمالی صادق «آشتی» را به «عدم پذیرش از

^۱. Hawkish

^۲. Dovish

سوی کره شمالی» ترجیح می‌دهد؛ حال آن‌که در مورد کره شمالی فریبکار این نتیجه برعکس است. فارغ از این‌که با چه نوع کره شمالی‌ای سر و کار داشته باشیم، بدترین نتیجه ممکن برای این کشور «عدم پذیرش از سوی آمریکا» خواهد بود. بنا به تعریف، آمریکای جنگ طلب، «عدم پذیرش از سوی آمریکا» یا «وضع موجود» را ترجیح می‌دهد؛ حال آن‌که در مورد آمریکای صلح طلب این نتایج برعکس است. این موضوع باعث می‌شود که «وضع موجود» در ارتباطش با سایر نتایج احتمالی تعیین شود. برای کره شمالی‌ای که به دنبال آشتی است، «وضع موجود» جایی میان «آشتی» و «عدم پذیرش از سوی آمریکا» قرار می‌گیرد. برای کره شمالی فریبکار هم که به دنبال همکاری بلندمدت با آمریکا نیست، «وضع موجود» باید بهتر از «آشتی» باشد. برای آمریکای جنگ طلب که به دنبال همکاری بلندمدت با کره شمالی نیست، «وضع موجود» به «آشتی» رجحان دارد. برای آمریکای صلح طلب نیز، «وضع موجود» باید جایی میان «آشتی» و «عدم پذیرش از سوی کره شمالی» قرار داشته باشد. اطلاعات موجود در این بخش نمی‌تواند محل دقیق «وضع موجود» را در رده‌بندی ترجیحی انواع احتمالی بازیگران به ما ارائه دهد. اما می‌تواند، علاوه بر اطلاعات بالا، آن‌قدر اطلاعات در اختیار ما قرار دهد که بتوانیم بازی روابط آمریکا و کره شمالی را تجزیه و تحلیل کنیم. لذا اطلاعاتی را که تا این‌جا عرضه کردیم می‌توان در شرایط نامساوی زیر خلاصه کرد.

کره شمالی صادق	آشتی با ابتکار عمل آمریکا << آشتی با ابتکار عمل کره شمالی >> وضع موجود، عدم پذیرش از سوی کره شمالی << عدم پذیرش از سوی آمریکا
کره شمالی فریبکار	عدم پذیرش از سوی کره شمالی، وضع موجود << آشتی با ابتکار عمل آمریکا >> آشتی با ابتکار عمل کره شمالی << عدم پذیرش از سوی آمریکا
آمریکای جنگ طلب	عدم پذیرش از سوی آمریکا، وضع موجود << آشتی با ابتکار عمل کره شمالی >> آشتی با ابتکار عمل آمریکا << عدم پذیرش از سوی کره شمالی
آمریکای صلح طلب	آشتی با ابتکار عمل کره شمالی << آشتی با ابتکار عمل آمریکا >> وضع موجود، عدم پذیرش از سوی آمریکا << عدم پذیرش از سوی کره شمالی

با این شرایط نامساوی، اکنون آماده‌ایم که تحلیل بازی را آغاز کنیم. مانند بازی بیزی در مورد کره جنوبی و شمالی که مورد اشاره قرار گرفت، راه‌حل تعادل بازی بیزی آمریکا و کره شمالی نیز بینش‌های جالبی را در اختیارمان می‌گذارد. نخست این‌که، آمریکای جنگ‌طلب - آنچنان که دونالد ترامپ مسیر کنونی را در پیش گرفته است - هرگز آغازکننده روند سازش نخواهد بود و همواره ابتکار عمل کره شمالی را در خصوص سازش رد خواهد کرد. «جفری لوییس»، مدیر برنامه منع اشاعه شرق آسیا در موسسه مطالعات بین‌الملل میدلبری در مونترری، می‌گوید آنجا که ترامپ به «پسر چاقالو»^۱ اشاره می‌کند، شاید سخن او کنایه‌ای از یک جنگ هسته‌ای باشد. «مرد چاق»^۲ اسم رمز سومین بمب هسته‌ای آمریکا بود که در سال ۱۹۴۵ روی ناکازاکی ژاپن انداخته شد (Lewis, 2017). اما در سوی مقابل، آمریکای صلح‌طلب همیشه به ابتکار عمل کره شمالی در آغاز روند سازش پاسخ مثبت خواهد داد؛ آنگونه که باراک اوباما با سیاست صبر استراتژیک خود مایل به تحقق آن همچون توافق برجام با ایران بود (Kim, 2016: 33-41). اگر هم کره شمالی آغازکننده سازش نباشد، خود آمریکا این کار را انجام می‌دهد؛ اما فقط در صورتی که تا حد زیادی اطمینان داشته باشد که کره شمالی صادق است. سوم، کره شمالی فریبکار هرگز در روند سازش ابتکار عمل را به دست نخواهد گرفت و همواره ابتکار عمل آمریکا در سازش را رد خواهد کرد.

نتیجه می‌گیریم که آشتی بلندمدت میان کره شمالی و آمریکا فقط در صورتی ممکن خواهد بود که کره شمالی در مورد اصلاحات سیاسی و خلع سلاح هسته‌ای صادق باشد و ایالات متحده آمریکا نیز در قبال کره شمالی رویکردی صلح‌طلبانه به کار گیرد. این امر در نگاه نخست تقریباً بدیهی به نظر می‌رسد، اما پیش‌بینی ما در واقع این است که از بین هشت نتیجه «آشتی» احتمالی، فقط دو نتیجه در تعامل میان کره

۱. Fat Boy

۲. Fat Man

شمالی و آمریکا دست‌یافتنی خواهند بود. دست آخر این که، ترکیب کره شمالی فریبکار و آمریکای جنگ‌طلب همیشه به «وضع موجود» ختم خواهد شد؛ امری که از ابتدای سال ۲۰۱۷ همزمان با تهدیدهای ترامپ علیه کره شمالی و متعاقباً آزمایشات موشک بالستیک و هسته‌ای پیونگ‌یانگ ادامه یافته است؛ چرا که هیچ‌کدام از دو طرف تمایلی ندارد که ریسک کند و مورد استفاده ابزاری طرف مقابل قرار بگیرد.

لذا همان‌طور که در بالا گفته شد، کره شمالی مشغول دو بازی هم‌زمان و مجزاست. مشکلی که این کشور با آن روبروست این است که در انتخاب استراتژی‌هایش انعطاف‌پذیری ندارد (و به‌همین دلیل می‌کوشد خود را کشوری صادق به تصویر بکشد)، چرا که حریفش در بازی دوم می‌تواند اقدامات کره شمالی را در بازی اول مشاهده کند. برای مثال، به نفع کیم جونگ‌اون است که در بازی خود با مون جائه‌این خود را اصلاح‌طلب واقعی نشان دهد. اعزام کیم یونگ‌نام - به عنوان فرد دوم کره شمالی - در کنار حضور خواهر کیم جونگ‌اون در کره جنوبی برای افتتاحیه بازی‌های زمستانی پیونگ‌چانگ، گواهی بر این مدعاست. اما همین موضوع لزوماً در مورد تعامل کره شمالی و ترامپ صدق نمی‌کند. با وجود این، به دلیل ماهیت هم‌زمان و قابل مشاهده دو بازی، رهبری کره شمالی نمی‌تواند در دو بازی مجزا چهره‌ای متناقض از خود به نمایش بگذارد. معنایش آن است که اگر در یکی از بازی‌ها روابط به تیرگی کشیده شود و مذاکرات به بن‌بست برسد، احتمالاً همین مسئله در بازی دیگر نیز رخ خواهد داد. این دقیقاً همان چیزی است که در مقطعی از سال ۲۰۰۱ روی داد. منظور زمانی است که گفتگوهای کره شمالی و آمریکا متوقف شد و کره شمالی دیگر به تمایل کره جنوبی برای ادامه گفتگو پاسخ نداد. سرشت هم‌زمان دو بازی تحلیل‌شده در این مقاله و نیز محدودیت‌های کره شمالی در مورد انتخاب استراتژی‌هایش، نشان می‌دهد که چرا «اظهار تمایل دونالد ترامپ برای دیدار و مذاکره با رهبر جوان کره شمالی که به‌طور شگفت‌انگیزی نیز وی را فردی باهوش قلمداد نمود» (Manson and Harris, 2017) نزد مقامات پیونگ‌یانگ سیاستی فریبکارانه تلقی می‌شود و باز هم بیشتر با استقبال رسمی و مثبت مقامات سنول روبرو شد تا کره شمالی.

علی‌رغم اینکه کیم جونگ‌اون در نامه‌ای رسمی در جریان بازی‌های المپیک زمستانی ۲۰۱۸، رئیس‌جمهور کره جنوبی را به پیونگ‌یانگ دعوت نمود، و این دعوت با استقبال سئول مواجه گردید؛ اما مون‌جائه‌این به این موضوع واقف است که صرف مذاکره بین دو کره مهم نیست و این کشور در موقعیتی قرار ندارد که بتواند این بحران را با پیونگ‌یانگ حل و فصل نماید؛ چرا که آمریکا و شورای امنیت، در مقابل رفع تحریم‌های کمرشکن، گزینه خلع سلاح هسته‌ای را در مقابل کره شمالی قرار داده‌اند که تحقق آن در عمل امکان‌پذیر نیست و در تاریخ خلع سلاح هسته‌ای موردی قابل ذکر نیست که کشور دارنده تسلیحات هسته‌ای، به کنار گذاشتن این توانایی رضایت داده باشد (Ford, 2007: 401-424). بنابراین نقض این قاعده را سخت می‌توان در مورد کره شمالی باور کرد. از همین‌رو زمانی که مذاکرات جدی و رضایت‌بخش میان آمریکا و کره شمالی از سر گرفته شود و نتایج آن مورد قبول پیونگ‌یانگ باشد، صلح میان کره جنوبی و شمالی نیز رخ خواهد داد. امری که با وجود آمریکای جنگ‌طلب (دوره ترامپ) از شانس اندکی برخوردار است و اگر در این دوره خطایی محاسباتی رخ ندهد، شرایط «وضع موجود» ادامه خواهد یافت.

سناریوها، احتمالات و محدودیت‌ها

با توجه به اولویت و شانس وقوع درگیری میان آمریکا و کره شمالی، در اینجا چندین سناریو، چالش و محدودیت را می‌توان مطرح و مورد ارزیابی قرار داد. سناریوهای قابل پیش‌بینی با عنایت به دسترسی به اطلاعات و تا حدودی برخوردار از شانس امکان‌پذیری و سناریوهای دور از ذهن در پرتو عدم قطعیت و اطلاعات ناقص، که با چالش‌ها و محدودیت‌های خود مجامعاً بر پیش‌فرض‌های تجربی و غیرتجربی استوارند.

الف) سناریوهای جنگی و احتمالات

۱) ماه‌های سپتامبر یا اکتبر زمان حمله به کره شمالی است: در فوریه ۲۰۱۸ مشخص شد که پنتاگون قصد دارد در یک جابجایی گسترده نظامی، نیروهای واکنش

سریع خود موسوم به «یگان تفنگداران دریایی» (MEU)^۱ را به شرق اقیانوس آرام اعزام کند. می‌دانیم که هر یگان ام‌ای.یو متشکل از دو هزار و ۲۰۰ نیرو و تجهیزات سنگین شامل هواپیما، تانک و دیگر جنگ‌افزارهای ویژه است. با این حال فرماندهان ارتش آمریکا از ارائه جزئیات بیشتر در این خصوص و اینکه چه تعداد از این یگان‌های دریایی به نزدیکی چین اعزام خواهند شد امتناع کرده‌اند. حال با توجه به اینکه آمریکا در حال حاضر ۵۰ هزار نیرو در ژاپن، ۲۹ هزار و پانصد نیرو در کره جنوبی و ۷ هزار نیرو در گوام دارد و گفته شده است که اعزام این یگان‌ها به شرق آسیا ۷ ماه به طول می‌انجامد (Lubold and Youssef, 2018)، این ذهنیت ایجاد می‌شود که تصمیم به اعزام و استقرار این نیروها در راستای سه «استراتژی امنیت ملی»^۲، «استراتژی دفاع ملی»^۳ و «بازبینی وضعیت هسته‌ای»^۴ که اخیراً توسط دولت ترامپ و در بازه زمانی نزدیک به هم منتشر شده‌اند، در کوتاه‌مدت و نگاهی حداقلی، به بحران کره شمالی برمی‌گردد و نه چین. یعنی می‌توان این‌گونه سناریوسازی کرد که اگر دونالد ترامپ قصد حمله به کره شمالی را در سر داشته باشد، این جابجایی نیروها و جدول زمان‌بندی آن طی هفت ماه آینده نیز، ماه‌های «سپتامبر» و «اکتبر» را برای حمله به کره شمالی نشان می‌دهد. یعنی دونالد ترامپ دو ماه قبل از ماه «نوامبر» - که انتخابات مهم میان دوره‌ای کنگره برگزار خواهد شد - فرصت دارد تا با حمله به کره شمالی، شرایط خود و هم‌حزبی‌هایش را در این اوضاع آشفته داخلی بهبود ببخشد. دلیل اینکه اخیراً هم صدای جنگ‌طلب‌ها در کاخ سفید بلندتر شده، ناظر به دیپلماسی ورزشی است که در جریان المپیک «پیونگ‌چانگ» میان کره جنوبی و شمالی رخ داده است. از این زاویه، به نظر می‌رسد که حامیان جنگ در واشنگتن می‌خواهند از شکل‌گیری فضای آشتی در شبه‌جزیره کره

۱. Marine Expeditionary Units

۲. National Security Strategy

۳. National Defense Strategy

۴. Nuclear Posture Review

جلوگیری کنند. از آنجا که مقامات دولت ترامپ و اکثریت حزب جمهوری خواه به خلع سلاح هسته‌ای پیونگ‌یانگ باور ندارند، به طریق اولی نیز معتقدند که اگر با وجود تحریم‌های رو به افزایش، آشتی میان دو کره تحقق یابد، دیگر نمی‌توان کره جنوبی را به عقب راند. همزمان، رسوایی پرونده روسیه برای ترامپ و خانواده‌اش (رشد بدبینی و کاهش محبوبیت) این احتمال را افزایش داده که او نه تنها برای انتخاب مجدد، مسیر سختی پیش رو داشته باشد؛ بلکه حتی ممکن است استیضاح شود. بنابراین بسته به اینکه فضای حاکم بر افکار عمومی آمریکا در مورد ایشان قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای در ماه نوامبر چه باشد، ترامپ ممکن است خود را در وضعیتی بی‌اختیار بیابد. این مسئله سوال نگران‌کننده را به وجود می‌آورد که نکند او برای خروج از بحران سیاسی داخلی‌اش، در حال بررسی حمله به کره شمالی است.

۲) نوع حمله، پیش‌دستانه و براساس «استراتژی بینی خونین»^۱ است: براساس این سناریو، آمریکا مایل است با یک حمله گنج‌کننده در ابعاد کوچک، محدود و دقیق علیه سایت‌های هسته‌ای یا دیگر تأسیسات موشکی و هسته‌ای کره شمالی، به نحوی که نهایتاً به تحریک کره شمالی برای پاسخ دادن منجر نشود، تهدید رژیم کیم جونگ‌اون را خنثی کرده و جلوی جنگ تمام‌عیار را بگیرد. موضوعی که این گمانه‌زنی‌ها را بیش از پیش تقویت کرده است، تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا برای کنار گذاشتن «ویکتور چا»^۲، کاندیدای اعزام به سئول به عنوان سفیر پیشنهادی آمریکا در کره جنوبی بود که نسبت به این استراتژی شدیداً موضع اعتراضی داشت. از همین‌رو چا که استاد «دانشگاه جرج‌تاون» و مشاور ارشد «مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک» است، با انتشار مقاله‌ای در واشنگتن‌پست (Cha, January 30, 2018)، ایده بینی خونین ترامپ را زیر سؤال برد؛ و با تهدید وی مبنی بر حمله ناگهانی به کره شمالی و همچنین خروج

۱. Bloody Nose

۲. Victor D. Cha

آمریکا از «موافقتنامه تجارت دوجانبه با کره جنوبی»^۱ مخالفت کرد. بنابراین مشخص می‌شود که سناریوی بینی خونین یکی از گزینه‌های نظامی دولت دونالد ترامپ علیه کره شمالی است. البته راهی وجود ندارد که بتوان فهمید این راهبرد چقدر جدی در کاخ سفید مورد بحث قرار گرفته است. این تصور که کره شمالی «جرأت نخواهد کرد» پاسخ دهد، هم خطرناک و هم نگران‌کننده است. این ارزیابی بر اساس یک طرز تفکر آمریکامحور شکل گرفته که خیال می‌کند پاسخ متقابل کره شمالی به پایان رژیم پیونگیانگ منتهی می‌شود (Landler, Jan 30, 2018). مشخص نیست مقامات آمریکای جنگ طلب که کیم جونگ‌اون را «فریبکار، غیرمنطقی و غیرقابل پیش‌بینی» توصیف می‌کنند، چطور می‌توانند پیش‌بینی کنند که او هم به همان جمع‌بندی نظامی‌ای می‌رسد که آن‌ها رسیده‌اند. اما بزرگ‌ترین معمای این سناریو این است که کره شمالی در صورت حمله آمریکا، هیچ چیزی برای از دست دادن نخواهد داشت و جونگ‌اون در نهایت همانند معمر قذافی در لیبی یا صدام حسین در عراق رفتار خواهد کرد. با این تفاوت که برخلاف قذافی و صدام، کیم واقعاً به سلاح‌های هسته‌ای مجهز است و اراده استفاده از آن را نشان داده است.

۳) کره شمالی به واسطه فشار تحریم‌های شورای امنیت و محاصره بنادر آن با امید به حمایت چین آغازگر و محرک جنگ باشد: اگر به واسطه تحریم‌های کمرشکن شورای امنیت و آمریکا، کره شمالی ظرف یک تا دو سال آینده به سمت فروپاشی و به یک کشور شکست‌خورده متمایل شود، مقامات پیونگیانگ برای فرار از این تنگنا و به تاسی از این باور که در آینده اختلافات پکن و واشنگتن نیز سیر صعودی خواهد یافت ممکن است در یک حرکت انتحاری گام‌هایی را در جهت آغاز جنگ بردارند. کیم معتقد است از آنجایی که در دوره ترامپ، جمهوری خلق چین در «سند استراتژی امنیت ملی آمریکا» ۳۳ بار، در خلاصه «استراتژی دفاع ملی آمریکا» شش بار و همچنین

^۱. U.S.- Korea Free Trade Agreement

«بازبینی وضعیت هسته‌ای» آمریکا، ۴۱ بار خطاب و به آن ارجاع داده شده، و آمریکا صراحتاً چین را در کنار روسیه به عنوان رقیب استراتژیک و تهدید نخست این کشور مورد توجه قرار داده است؛ لذا تحت هر شرایطی، چین به عنوان چتر امنیتی حاضر نخواهد بود. حائل استراتژیک خود (کره شمالی) را به راحتی در مقابل دو رقیب منطقه‌ای کره جنوبی و ژاپن و دشمن استراتژیک آن آمریکا تنها و رایگان رها کند. در چنین شرایطی، کره شمالی ممکن است پیوسته محدودیت‌ها را آزمایش کرده و به‌طور مداوم کشورهای دیگر را تحریک کند. در این سناریو تحریک‌های کره شمالی با دلگرمی از حمایت چین باعث می‌شود تا سرانجام کره جنوبی و آمریکا از کوره در رفته و پاسخی کوبنده به آن بدهند. با این وجود و نظر به آنکه سئول، شهری با ۱۰ میلیون جمعیت، تنها ۵۶ کیلومتر با مرز دو کره و منطقه غیر نظامی حائل بین دو کشور فاصله داشته و در تیررس توپخانه سنگین کره شمالی قرار دارد؛ پیونگ‌یانگ فکر می‌کند با واکنش سخت آمریکا و کره جنوبی مواجه نخواهد شد. این سناریو با اشتباه محاسباتی کره شمالی همراه است. اگرچه کره جنوبی نسبت به حمله هسته‌ای همسایه خود وحشت دارد؛ اما همزمان از قابلیت و توانایی واکنش به تحریک‌های کره شمالی نیز برخوردار است. در چنین وضعیتی، آمریکا هم بلافاصله با قدرت وارد عمل خواهد شد و ضربات مهلکی به کره شمالی وارد خواهد ساخت. افزون بر آن، بر کسی پوشیده نیست که دنیای بدون کره شمالی برای چین خطرناک خواهد بود؛ اما علی‌رغم تعهدات موجود در عهدنامه دوستی و همکاری مشترک میان چین و کره شمالی که در سال ۱۹۶۱ تنظیم شده است، در صورتی که کره شمالی آغازگر جنگ باشد، چین در مقام دفاع از کره شمالی برنخواهد آمد. همان‌گونه که «گلوبال تایمز» روزنامه دولتی چین در دهم اوت ۲۰۱۷ در واکنش به تشدید تنش‌های لفظی آمریکا و کره شمالی، از تصمیم احتمالی پکن به اتخاذ موضع بیطرفانه در صورت وقوع هرگونه درگیری خبر داد (Reuters,)

Aug 10, 2017)، اخیراً نیز در هشتم فوریه ۲۰۱۸، رکس تیلرسون در دیدار با «یانگ جیه‌چی»^۱ - عضو شورای رهبری چین و مشاور ارشد شی جین‌پینگ - از همکاری همه‌جانبه و موافقت چین با آمریکا برای فشار دیپلماتیک بر کره شمالی خبر داده است (Reuters, Feb 08, 2018). موضوعی که مقامات کره شمالی باید به آن توجه کنند این است که این توافق درست پس از انتشار «اسناد سه‌گانه استراتژیک آمریکا» حاصل شده است.

ب) چالش‌ها و محدودیت‌ها

۱) یکی از اهداف کاربست گزینه‌های نظامی پیش‌دستانه بدین منظور است که کره شمالی را در حوزه تست‌های دامنه‌دار موشکی برای تکمیل تکنولوژی «موشک‌های بالستیک قاره‌پیما»^۲ متوقف کند. این ایده در سال ۲۰۰۶ توسط دو مقام برجسته دموکرات یعنی «ویلیام پری»^۳ و «اشتون کارتر»^۴ نیز پیشنهاد شده بود. از این قرار که موشک‌های کره شمالی می‌توانند توسط بمب‌های دقیق و هدایت شونده جنگنده بمب‌افکن‌های آمریکایی نابود شوند؛ یا می‌توان آنها را با سیستم‌های دفاع موشکی ایالات متحده در حمله‌ای برق‌آسا در آسمان منهدم نمود. بر اساس برآوردهای پیشین، هر یک از این اقدامات ممکن است تنها حدود ۵۰ درصد احتمال موفقیت داشته باشند. با این حال و در پاسخ، کره شمالی هم ممکن است توسعه موشک‌های قاره‌پیمای خود را بر سوخت جامد متمرکز کند که گسترش این روند، فرآیند آماده‌سازی سامانه‌های رهگیر برای شناسایی آنها را با دشواری بیشتری مواجه می‌کند. از طرفی همان‌طور که اسرائیل به‌طور موثر و مخفیانه در هفتم ژوئن ۱۹۸۱ به راکتور اتمی «اوسیراک»^۵ در عراق حمله

۱. Yang Jiechi

۲. Intercontinental Ballistic Missile (ICBM)

۳. William Perry Ashton Carter

۴. Ashton Carter

۵. Osirak

کرد و با همین شیوه در ششم سپتامبر ۲۰۰۷ راکتور اتمی «الکبار»^۱ سوریه را مورد هدف قرار داد؛ ایالات متحده و یا کره جنوبی به احتمال زیاد با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین می‌توانند به بخش‌هایی از زیرساخت‌های هسته‌ای کره شمالی آسیب جدی وارد کنند. به‌طور خاص، آن دسته از راکتورهای هسته‌ای این کشور که در حال ساخت است و هنوز به مراحل عملیاتی نرسیده‌اند می‌تواند بدون پخش مواد رادیواکتیو در مقیاسی وسیع نابود شوند. همان‌طور مجتمع سانتریفیوژ و غنی‌سازی اورانیوم در همان محل می‌تواند نابود گردد. اما چنین حملات پیشگیرانه‌ای نمی‌تواند دیگر تأسیسات مخفی غنی‌سازی اورانیوم را که کره شمالی احتمالاً در مکان‌های دیگری ساخته است از بین ببرد. همچنین این حملات نمی‌توانند آن دانش انسانی راکتورهای تحقیقاتی که پیوسته کل پلوتونیوم کره شمالی را تا به امروز تولید و عملیاتی کرده است نابود کند. افزون بر آن، حمله به تأسیسات هسته‌ای این کشور به نوعی می‌تواند در مقیاسی کوچک‌تر، فاجعه چرنوبیل یا فوکوشیما را ایجاد کند، که به سرعت مواد رادیواکتیو را صدها کیلومتر مربع گسترش دادند. بنابراین احتمال دارد که چنین حملاتی دسترسی به چندین سایت مخفی کره شمالی را شامل نشود؛ چرا که نهادهای امنیتی و نظامی آمریکایی درست نمی‌دانند که محل دقیق آنها کجاست. همچنین در حالی که آمریکا قادر است تسلیحات و امکانات نظامی شناخته شده کره شمالی را نابود کند، ممکن است شمار بسیار زیادی تسلیحات ناشناخته نیز وجود داشته باشد؛ و حالا که کره شمالی موشک‌های سیار دارد که با سوخت جامد به سرعت آماده شلیک می‌شوند، اوضاع و پیامدهای بحران از عدم قطعیت بیشتری برخوردار خواهد شد (Mathews, 2017). با این حال و در صورت وقوع جنگ، بسیاری از ناظران جهانی می‌گویند توان نظامی کره شمالی در مقایسه با ایالات متحده یک شوخی به حساب می‌آید؛ چرا که بیشتر تجهیزات نظامی این کشور مربوط به زمان جنگ جهانی دوم

۱. Al-Kibar

است و در صورت درگیری رودررو، این کشور شانس چندانی برای پیروزی بر ارتش قدرتمند ایالات متحده نخواهد داشت. اما واقعیت در عمل به این سادگی نیست. به طور نمونه در سال ۱۹۶۸ بود که ناو جنگی «یو.اس.اس پوئبلو»^۱ وارد آب‌های شبه جزیره کره شد و در آن زمان، کیم ایل سونگ در یک اقدام کاملاً جدی، آن ناو را مورد هدف قرار داد و تمامی ۸۲ پرسنل آن کشته شدند. در آوریل ۱۹۶۹ نیز وقتی رئیس جمهور وقت آمریکا - «لیندون جانسون» - در بحران ویتنام گرفتار شده بود، هواپیمای شناسایی خود را رهسپار دریای ژاپن کرد که توسط هواپیمای میگ ۲۱ کره شمالی از پا درآمد و همه ۳۱ سرنشین آن جان خود را از دست دادند. در سال ۱۹۷۶ و در زمان عقب‌نشینی آمریکا از ویتنام هم، کره شمالی دو افسر جاسوس ارتش آمریکا را به قتل رساند تا بار دیگر به آمریکا اخطار داده باشد که با این کشور وارد منازعه نشود. بدین ترتیب، سیاست استقبال از خطر حتی در صورت واکنش احتمالی آمریکا، در قاموس رفتار نظامی و سیاسی کره شمالی نسبت به این کشور قرار دارد و تا به امروز نیز ادامه داشته است.

(۲) شورای امنیت ملل متحد به اعتبار و درخواست دولت ترامپ، تحریم‌های کمرشکن جدیدی (قطع‌نامه ۲۳۹۷) را علیه کره شمالی اعمال کرده است. در میان سایر قطع‌نامه‌های تحریمی، مورد اخیر از درجه تخریبی بالایی برخوردار است و می‌توان انتظار داشت ظرف دو سال آینده، اثر بسیار تعیین‌کننده‌ای بر ساختار رژیم کره شمالی به‌جای بگذارد. در این ارتباط، می‌توان به کاهش برخی از انواع واردات سوخت تا سقف ۹۰ درصد اشاره نمود و همچنین اخراج کارگران کره شمالی در سایر کشورها ظرف حداکثر دو سال، که این موارد به شدت باعث ممنوعیت ارسال پول کارگران به کره شمالی شده و نهایتاً اقتصاد ضعیف آن را نابود خواهد ساخت. این موضوع در کنار محاصره بنادر کره شمالی توسط ایالات متحده و شناورهای متحد این کشور، از نظر واشنگتن می‌تواند راهی منطقی برای اطمینان از رعایت تحریم‌ها و مؤثر بودن کارکرد آنها به نظر برسد. اما محاصره نظامی، طبق استاندارد حقوق

۱. USS Pueblo

بین‌الملل، یک عمل جنگی است. اجرای کامل آن نیز مستلزم استفاده از تسلیحات مرگبار علیه هر کشتی یا شناورهایی است که کره شمالی اجازه ورود و بازرسی به آنها ندهند. در واکنش به چنین محاصره‌ای، انتظار می‌رود که حداقل کره شمالی هر شناور نزدیک به کشتی‌های خود را هدف قرار دهد، که این موضوع به معنی به خطر انداختن جان نیروهای آمریکائی و تلفات زیاد خواهد بود. مهم‌تر از همه، این گزینه، تجارت زمینی و هوایی کره شمالی را محدود نخواهد کرد. بنابراین، تحریم و محاصره نه خلع‌سلاح هسته‌ای و موشکی کره شمالی را امکان‌پذیر می‌سازد و نه احتمال دارد که در آینده، رشد بیشتر زرادخانه‌های هسته‌ای و موشکی این کشور را کند نماید. لذا این رویداد فشار اقتصادی را تشدید می‌کند، اما نمی‌تواند تهدید نظامی را کاهش دهد. از همین رو برخی معتقدند «کره شمالی در شرایط فعلی با دو انتخاب روبه‌رو است: «حفظ یک حکومت ضعیف و ایزوله شده، به عنوان نیرویی که سرانجام تسلیم تاریخ خواهد شد» و یا بدتر از آن «دفاع، حمله و فروپاشی» (Fisher, 2016). اما همزمان این امکان را نیز نباید از نظر دور داشت که کره شمالی اتمی که در حال فروپاشی است برای جهان خطرناک‌تر از کره شمالی باثبات باشد که به شدت در حال تلاش برای بهبود زرادخانه اتمی خود است (Lankov, 2016: 11). «توماس شلینگ»^۱ نظریه‌پرداز معروف «استراتژی و نظریه بازی‌ها» و همچنین برنده جایزه نوبل اقتصاد، زمانی گفته بود «دو چیز در سیاست بین‌الملل بسیار گران تمام می‌شود: قول‌هایی که یک کشور پس از پیروزی سر می‌دهد و تهدیدهای کشور بازنده».

۳) همانند آغاز عملیات آزادی‌سازی عراق در سال ۲۰۰۳، زمانی که دولت بوش در یک حمله برق‌آسا توأم با شوک و ترس درصدد کشتن صدام حسین برآمد، ایالات متحده و کره جنوبی نیز می‌توانند کیم جونگ‌اون را هدف قرار دهند. اگرچه قانون ایالات متحده، قتل رهبران سیاسی خارجی را در داخل خاک آمریکا منع کرده است؛ اما این موضوع در خارج از کشور رعایت نشده است. اگر کیم به عنوان فرمانده نظامی یک ملت (که هنوز از

۱. Thomas Schelling

لحاظ فنی در جنگ با سازمان ملل متحد قرار دارد) از تعهدات مربوط به آتش‌بس به دلیل سال‌ها تجاوزات گاه و بیگاه علیه کره جنوبی، شانه خالی کند، از نظر قانونی، موضوع ممنوعیت حذف رهبران خارجی ممکن است با ظرافت به حداقل برسد^۱ (DePetris, 2017). با این حال، همان‌طور که تجربه عراق ۲۰۰۳ نشان می‌دهد، ایالات متحده ممکن است نتواند اقدامات مشابهی را علیه کیم جونگ‌اون انجام دهد. اینکه آیا این امر با موفقیت همراه می‌شود یا نه، نفس‌چنین اقدامی باعث نمی‌شود که در مقام پاسخ، کره شمالی نیز همین رویه را علیه مقامات و رهبران کشورهای غربی عملیاتی نکند. حتی در یک عملیات موفقیت‌آمیز، ایالات متحده نمی‌تواند با پیام عفو و تبعید، مقامات ارشد کره شمالی را متقاعد سازد که مقاومت نکنند. مضافاً اینکه هیچ بعید نیست پس از کیم جونگ‌اون، رهبری سرسخت‌تر و جنگ‌طلب‌تر از وی همچون خواهر ایشان «کیم یو-جونگ»^۲ به رهبری کره شمالی نرسد. همچنین فرماندهی و کنترل نظامی کره شمالی ممکن است به جای تسلیم، واکنش خشونت‌آمیزی علیه ایالات متحده و کره جنوبی نشان دهد. به‌طور خلاصه، هر یک از این گزینه‌ها تنها اثرات متضادی را در برابر بحران کره شمالی وعده می‌دهد که بیشتر ایالات متحده به آنها اهمیت می‌دهد.

بنابر آنچه گذشت، در اینجا دو دسته متغیر بینابینی میان درک حاصل از قدرت و اتخاذ سیاست خارجی اهمیت دارد. نخست، درک ذهنی نخبگان حکومتی (رهبران) از قدرت ممکن است منجر به این شود که توزیع قدرت را در دنیا، آن‌طور که واقعاً هست، نفهمند و به خطا تعبیر کنند. دوم، هم ترامپ و هم جونگ‌اون ممکن است با اولویت دادن به منافع شخصی یا منافع حزب متبوع خود، نسبت به محدودیت‌های موجود برای بسط مناقشه واکنش نشان دهند. در حالت نخست، عدم قطعیت و اطلاعات ناقص و یک‌سونگری وجه مشخصه تصورات رهبران دو کشور خواهد بود. داشتن مقیاس‌های عینی از امکانات

^۱. در این زمینه، رک به قانون (U.S. Code > Title 18 > Part I > Chapter 51 > § 1116)

^۲. Kim Yo-jong

مادی می‌تواند مقدمه‌ای برای تحلیل قدرت باشد؛ اما سنجیدن توانایی ترامپ و کیم در بهره‌برداری از این امکانات و نیز ارزیابی مؤلفه‌های ناملموس قدرت کشورشان، کاری به مراتب دشوارتر است. بنابراین در مواقعی که با اطلاعات ناقص مواجه هستیم، سوگیری‌های شناختی و حسی نقش مهم‌تری در کمک به سیاستگذاران در تحلیل و پیش‌بینی رفتار دشمنان‌شان بازی می‌کنند و بدین ترتیب، بر تصمیمات سیاسی‌شان اثر می‌گذارند. نظر به آنکه انتظارات و ترجیحات شخصی یک رهبر خودکامه نیز دریافت‌های او را شکل می‌دهند؛ تغییر این پیش‌فرض‌ها ممکن است دشوار باشد و شاید وفور شواهد، به تنهایی، برای این مهم کفایت نکند. بنابراین، به جای این‌که دریافت‌های‌مان را با رسیدن اطلاعات تازه، مرحله به مرحله به روز رسانی کنیم، این اصلاحات اغلب در کسوت «شوک» به ما می‌رسند و گاه اقدامات آنها ممکن است با برآورد تازه از برداشت از قدرت، به یک جنگ ناخواسته منجر شوند. به همین جهت می‌توان گفت ارزیابی قدرت به واقعیت ارتباط دارد؛ اما توسط واقعیت تعیین نمی‌شود (Rezaei, 2017: 6).

لذا همچنان‌که کره شمالی روز به روز به تسلیحات هسته‌ای و موشک‌های دوربرد نزدیک‌تر می‌شود، آمریکا در نهایت خود را ناگزیر خواهد دید تا تصمیمی در این باره اتخاذ کند. مقامات آمریکایی یا باید تصمیم بگیرند که کره شمالی را به عنوان یک کشور مجهز به تسلیحات هسته‌ای پذیرفته و از این پس با این واقعیت کنار آیند و یا اینکه تدابیری قهرآمیز را برای خلع سلاح هسته‌ای این کشور اتخاذ نمایند. اما کره شمالی تا زمانی که خلع سلاح هسته‌ای روی میز باشد، با ایالات متحده مذاکره نخواهد کرد. بنابراین «آمریکا باید با این واقعیت روبه‌رو شود که کره شمالی دولتی تماماً هسته‌ای است. قرار نیست بگویید "به باشگاه اتمی‌ها خوش آمدی"، اما می‌توان روی روندهای کنترل تسلیحات کار کرد» (Cassidy, 2017: 11). در واقع آنچه ایالات متحده با آن روبرو است، از یک طرف مساله‌ای میان توانایی‌های کره شمالی و اهداف این کشور است، و از دیگر سو، استراتژی بی‌مورد و تاریخ مصرف گذشته واشنگتن برای خلع سلاح هسته‌ای پیونگ‌یانگ. حال با عنایت به سناریوها، چالش‌ها و محدودیت‌هایی که از نظر

گذشت، به نظر می‌رسد «وضعیت بدون برنده» تنها گزینه‌ای است که می‌توان در خصوص بحران کره شمالی و آمریکا متصور شد. بنابراین جغرافیای سیاسی نیز به ما می‌آموزد که به صورت منطقی به قضایا نگاه کنیم. فرض‌ها نباید بر اساس نفوذ احساسات، اطلاعات غلط یا محاسبات اشتباه باشد. با وجود این آگاهی، تعاملات و کارهای افراد و رهبران از ویژگی‌های ملی و فرهنگ استراتژیک ملی‌شان نشأت می‌گیرد. براین اساس، اعتماد کره شمالی نسبت به آمریکا زمانی رنگ واقعیت به خود خواهد دید که از همکاری متقابل با این کشور مطمئن شود و از مزایای این همکاری نیز به‌طور ملموس بهره‌مند گردد. در حالی که عدم اعتماد، باوری است که بازیگر جوپای امنیت، طرف مقابل را طمع‌کار فرض کرده و ترجیح می‌دهد از همکاری خود متضرر نشود؛ چرا که تهدید جدی، دولت‌های جوپای امنیت را دچار بی‌اعتمادی می‌کند و دولت‌های طمع‌کار نیز به سبب اهداف و مقاصدشان نمی‌توانند نشانه‌های پرهزینه را از خود بروز دهند. از همین رو می‌توان بحران کنونی کره شمالی و آمریکا را بر اساس اصطلاح «رنالیسم بی‌زی» مورد شناسایی قرار داد که ترکیبی از تمرکز بر رنالیسم دفاعی و رنالیسم تهاجمی است.

نتیجه‌گیری

گاهی در معادلات بین‌الملل این طور فرض شود که کشور مقابل دیوانه است. آنها مسیر مشخصی را دنبال نمی‌کنند یا مایل به پیگیری شکل پیش‌بینی شده‌ای از اقدام نیستند. بنابراین باید به دقت آنها را زیر نظر داشت. اما اگر فرض اشتباهی مورد توجه قرار گیرد، پاسخ به یک عمل، ممکن است نتیجه‌ای بسیار دور از انتظار به دنبال داشته باشد. البته شناخت کامل طرف مقابل نیز تضمین‌کننده نتیجه مورد نظر نیست؛ چرا که تفاوت‌های ادراکی می‌تواند راه را بر سر مصالحه ببندد و خطر ایجاد تناقضات سخت را منجر شود. در این مورد، کره شمالی و ایالات متحده هر دو به تلاش خود برای رسیدن به منافع مورد نظر سرعت بخشیده‌اند. پیونگ‌یانگ در مسیر توسعه موشک‌های قاره‌پیمای

گام برمی‌دارد و ایالات متحده آن را در تضاد کامل با منافع خود و متحدان منطقه‌ای‌اش تعریف کرده است. بنابراین اغلب مسائل و چالش‌هایی که فراروی تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان در آمریکا و کره شمالی قرار گرفته است، به واسطه اطلاعات ناقص، عدم قطعیت و عدم اطمینان، ماهیتی چندبعدی پیدا کرده‌اند که این خود بر دشواری‌های تحلیلی بحران افزوده است. لذا با کاربست بازی بیزی در مورد بحران شبه‌جزیره کره، این مهم روشن شد که در تعامل میان کره شمالی و کره جنوبی، کره شمالی فریبکار در آینده نیز با روند سازش مخالفت خواهد کرد و به فرض پایداری سیاست‌های ترامپ علیه این کشور، چندان فرقی نمی‌کند که واقعاً به دنبال تغییر باشد یا نه. این امر موجب خواهد شد که کار کره جنوبی در گردآوری اطلاعات راجع به نیت واقعی کره شمالی، کاری دشوار و با چالش عدم قطعیت مواجه شود. بنابراین، در تعامل فرضی میان کره شمالی و ایالات متحده آمریکا نیز، انتظار این است که آمریکای دوران ترامپ به عنوان یک جنگ طلب هرگز روند سازش را آغاز نکند و در بیشتر مواقع نیز بر آغاز روند سازش بدون پیش شرط از سوی کره شمالی دست رد بزند. در سوی مقابل، کره شمالی فریبکار نیز هرگز در روند سازش ابتکار عمل را به دست نخواهد گرفت و همواره ابتکار عمل آمریکا در سازش را رد خواهد کرد. بر اساس این مشاهدات پیش‌بینی می‌شود که صلح پایدار میان کره شمالی و آمریکا فقط در صورتی ممکن خواهد بود که کره شمالی در مورد روند خلع سلاح هسته‌ای خود صادق باشد و ایالات متحده آمریکا هم، در قبال کره شمالی، صلح طلب امری که بعید است اتفاق افتد. بنابراین اگر آمریکا به کره شمالی حمله‌ای پیش‌دستانه ننماید و کره شمالی نیز دچار اشتباه محاسباتی نشود؛ موازنه وحشت و تهدید متقابل ادامه خواهد یافت.

منابع و مأخذ

1. Armstrong, Charles K. (2013), **Studies of the Weather head East Asian Institute, Columbia University: Tyranny of the Weak: North Korea and the World, 1950-1992**. Cornell University Press,

2. Bowden, Mark, (2017), "How to Deal with North Korea", **The Atlantic**, No. July-August.
3. Baliga, Sandeep and Tomas Sjoström (2004), Arms Races and Negotiations, **Review of Economic Studies**, No. 71.
4. Bell, Markus and Marco Milani, (2017), Why Donald Trump Is the One Leader Who Can Stop North Korea, **Fortune**, Feb 21, <http://fortune.com/2017/02/21/donald-trump-nuclear-north-korea/>
5. Berenson, Tessa, (2017), President Trump Says North Korea Is a "Big Problem" That "Will Be Solved", **Time**, May 26, <http://time.com/4795561/president-trump-north-korea-japan/>
6. Bolton, Derek, (2012), North Korea's Nuclear Program , **American Security Project**, August, <https://www.americansecurityproject.org/ASP%20Reports/Ref%2000072%20-%20North%20Korea%E2%80%99s%20Nuclear%20Program%20.pdf>
7. Brunnstrom, David and Matt Spetalnick, (2017), North Korea may have more nuclear bomb material than thought - U.S. think tank, **Reuters**, July 14, <https://af.reuters.com/article/worldNews/idAFKBN19Z1EW>
8. Carlin, Robert and John W. Lewis, (2008), Negotiating with North Korea: 1992–2007, **Center for International Security and Cooperation Freeman Spogli Institute for International Studies**, Stanford University, January
9. Cassidy, John, (2017), Is It Time to Accept the Reality of a Nuclear-Armed North Korea? **New Yorker**, August 11, <http://www.newyorker.com/news/john-cassidy/is-it-time-to-accept-the-reality-of-a-nuclear-armed-north-korea>
10. Cha, Victor, (2018), Victor Cha: Giving North Korea a 'Bloody Nose' Carries a Huge Risk to Americans, **Washington Post**, January 30, <https://www.washingtonpost.com/opinions/victor-cha-giving-north-korea-a-bloody-nose-carries-a-huge-risk-to-americans/2018/01/30...>
11. Cheng, Jonathan and Min Sun Lee, (2017), South Korea's New President Willing to Visit North Korea, **The Wall Street Journal**, May 10, <https://www.wsj.com/articles/south-koreas-new-president-willing-to-visit-north-korea-1494390723>
12. Chossudovsky, Michel , (2013), America's War against the People of Korea: The Historical Record of US War Crimes, **Global Research**, September 13, <http://www.globalresearch.ca/americas-war-against-the-people-of-korea-the-historical-record-of-us-war-crimes/5350591>

13. Cooper, Helene, (2008), U.S. Declares North Korea Off Terror List, **New York Times**, October 12, <http://www.nytimes.com/2008/10/13/world/asia/13terror.html>
14. Dekel, Eddie, Drew Fudenberg and David K. Levine, (2002) **Learning to Play Bayesian Games**.
15. DePetris Daniel R., (2017), What If America Assassinated Kim Jong-un? **National Interest**, April 10, <http://nationalinterest.org/feature/what-if-america-assasinated-kim-jong-un-20108>
16. European Parliament, (2017), Nuclear Proliferation in North East Asia, Directorate-General for External Policies Policy Department, March.
17. Fisher, Max , (2016), North Korea, Far From Crazy, Is All Too Rational, **New York Times**, Sept. 10, https://www.nytimes.com/2016/09/11/world/asia/north-korea-nuclear-missile-programs-rational.html?_r=0
18. Ford, Christopher A. (2007), Debating Disarmament Interpreting Article VI of the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, **Nonproliferation Review**, Vol. 14, No. 3, November
19. Fyffe, Steve, (2016), “Hecker Assesses North Korean Hydrogen Bomb Claims”, in **CISAC News**, 7 January, <http://cisac.fsi.stanford.edu/node/220361>.
20. Graham, David A. (2017), The Many North Korea Policies of the Trump Administration, **The Atlantic**, Apr 28, <https://www.theatlantic.com/international/archive/2017/04/the-many-north-korea-policies-of-rex-w-tillerson/524736/>
21. Graham, Chris, (2017), Kim Jong-un says new missile is 'gift' to 'American b*****s' from North Korea on Independence Day, **Telegraph**, 5 July, <http://www.telegraph.co.uk/news/2017/07/04/kim-jong-un-mocks-us-rex-tillerson-confirms-north-koreas-icbm/>
22. Hecker, Siegfried S. (2016), What to Make of North Korea’s Latest Nuclear Test?, **38North**, September 12, <http://www.38north.org/2016/09/shecker091216/>
23. Hecker, Siegfried S. (2017), What We Really Know about North Korea’s Nuclear Weapons, **Foreign Affairs**, December 4, <https://www.foreignaffairs.com/articles/north-korea/2017-12-04/what-we-really-know-about-north-koreas-nuclear-weapons?cid=int-lea&pgtype=hpg>
24. Kelemen, Michele, (2018), Experts Concerned About Idea Of A Preemptive Strike Against North Korea, **NPR**, January 31,

- <https://www.npr.org/2018/01/31/582240489/foreign-policy-experts-concerned-about-idea-of-a-preemptive-strike-against-north>
25. Kim, Dongsoo, (2016), The Obama administration's policy toward North Korea: the Causes and Consequences of Strategic Patience, **Journal of Asian Public Policy**, Volume 9, Issue 1
26. Kydd, Andrew, (2005) **Trust and Mistrust in International Relations**, Princeton: Princeton University Press.
27. Landler, Mark, (2018), Trump Vows a Muscular America to Confront a World of Enemies, **New York Times**, Jan. 30, <https://www.nytimes.com/2018/01/30/world/asia/victor-cha-south-korea-trump.html>
28. Lankov, Andrei, (2016), Stiffer Sanctions on North Korea Won't Work, **Bloomberg View**, Jan 8, <http://www.bloombergvew.com/articles/2016-01-08/stiffer-sanctions-on-north-korea-won-t-work>.
29. Lee, Hochul, (2013), China in the North Korean Nuclear Crises: 'interest' and 'identity' in foreign behavior, **Journal of Contemporary China**, Volume 22, Issue 80
30. Lee, Wan Beom, (1996), "The U.S. Military Occupation and Nationalism, 1945-1948", In **Korean Post-Modern History and Nationalism**, Yoo, Byong Yong, Jip Mun Dang, Republic of Korea
31. Lewis, Jeffrey, (2017), The Game Is Over, and North Korea Has Won, **Foreign Policy**, Aug 9, <http://foreignpolicy.com/2017/08/09/the-game-is-over-and-north-korea-has-won/>
32. Lubold, Gordon and Nancy A. Youssef, (2018), U.S. Considers Boosting Asia Forces with Special Marine Units, **Wall Street Journal**, Feb. 9, <https://www.wsj.com/articles/u-s-considers-boosting-asia-forces-with-special-marine-units-1518195306>
33. Makhijani, Arjun, Nicole Deller and John Burroughs, (2003), Compliance Assessment of North Korean and U.S. Obligations Under the Non-Proliferation Treaty and 1994 Agreed Framework, **Institute for Energy and Environmental Research**, January 24
34. Manson, Katrina and Bryan Harris, (2017), Trump says he 'would be honoured' to meet N Korea's Kim Jong Un, **Financial Times**, May 2, <https://www.ft.com/content/b81ccdbe-2ec3-11e7-9555-23ef563ecf9a>
35. Mathews, Jessica Tuchman, (2017), Washington Already Knows How to Deal with North Korea, April 27, **Carnegie Institute**, <http://carnegieendowment.org/2017/04/27/washington-already-knows->

how-to-deal-with-north-korea-pub-6880

36. McCurry, Justin and Borger, Julian, (2017), North Korea missile launch: regime says new rocket can hit anywhere in US, **The Guardian**, Wednesday, November 29,

37. Mitchell, Tom and Demetri Sevastopulo, (2017), Trump warns Xi that US prepared to act alone on North Korea, **Financial Times**, April 7, <https://www.ft.com/content/71c4fb32-1b42-11e7-bcac-6d03d067f81f>

38. Myong Chol, Kim and Pak Chol Gu, (1997), **DPRK Perspectives on Ending the Korean Armistice**, Nautilus of America/The Nautilus Institute.

39. Nikitin, Mary Beth and et al, (2010), North Korea's Second Nuclear Test: Implications of U.N. Security Council Resolution 1874, **Congressional Research Service**, April 15.

40. Panda, Ankit, (2016), North Korea's Kwangmyongsong Satellite Launch: What We Know and Don't Know, **The Diplomat**, February 8, <http://thediplomat.com/2016/02/north-koreas-kwangmyongsong-satellite-launch-what-we-know-and-dont-know/>

41. **Reuters**, (2017), South Korea, U.S. kick off Large-scale Air Exercise amid North Korean Warnings, December 4, <https://www.reuters.com/article/us-northkorea-missiles/south-korea-u-s-kick-off-large-scale-air-exercise-amid-north-korean-warnings-idUSKBN1DY0QX>

42. **Reuters**, (2017), Chinese paper says China should stay neutral if North Korea attacks first, August 10, <https://www.reuters.com/article/us-northkorea-missiles-china-media/chinese-paper-says-china-should-stay-neutral-if-north-korea-attacks-first-idUSKBN1AR005>

43. Rezaei, Masoud, (2017), The Crisis between US and North Korea under President Trump, **Iran Review**, July 12, <http://www.iranreview.org/content/Documents/The-Crisis-between-US-and-North-Korea-under-President-Trump.htm>

44. Sangernov, David E. (2002), Threats and Responses: Alliances; In North Korea and Pakistan, Deep Roots of Nuclear Barter, **New York Times**, November. 24,

45. Sang-Hun, Choe and David E. Sangerjuly, (2017), After North Korea Test, South Korea Pushes to Build Up Its Own Missiles, **New York Times**, July 29,

<https://www.nytimes.com/2017/07/29/world/asia/us-south-korea-north-korea-missile-test.html>

46. Schilling, John, (2017), North Korea's Latest Missile Test: Advancing towards an Intercontinental Ballistic Missile (ICBM) While Avoiding US Military Action, **38North**, May 14, <http://www.38north.org/2017/05/jschilling051417/>
47. Scobell, Andrew and John M. Sanford, (2007), North Korea's Military Threat: Pyongyang's Conventional Forces, Weapons of Mass Destruction, and Ballistic Missiles, **Strategic Studies Institute**, No. April.
48. Selden, Mark, and Alvin Y. So, (2004), **War and State Terrorism: The United States, Japan, and the Asia-Pacific in the Long twenty century**, Lowman and Littlefield Publishers.
49. Sharma, Ashok, (2013), "The U.S.-India Strategic Partnership: An Overview of Defense and Nuclear Courtship", **Georgetown Journal of International Affairs**, July 4.
50. SIPRI, (2017), China's Engagement of North Korea, Spring.
51. **Telegraph** (2016), North Korea cites Muammar Gaddafi's 'destruction' in nuclear test defence, 09 Jan.
52. The International Institute for Strategic Studies (**IISS**), (2004), North Korea's Weapons Programmes: A Net Assessment, Dr. Gary Samore, ed., London: Palgrave Macmillan Publishing.
53. Traufler, Zachary, (2015), **A Divided Peninsula- the effect of soviet influence on North Korea**, January 19, <https://history105.libraries.wsu.edu/spring2015/2015/01/19/origins-of-north-and-south-koreas-tension/>
54. Turocy, Theodore L. and Bernhard von Stengel, (2001), **Game Theory**, London School of Economics, October 8
55. Walt, Stephen M., (2018), Trump's Sound and Fury Has Signified Nothing, **Foreign Policy**, January 30, <http://foreignpolicy.com/2018/01/30/trumps-sound-and-fury-has-signified-nothing/>
56. Waxman, Olivia B. (2017), How North Korea's Nuclear History Began, **Time**, Mar 07, <http://time.com/4692045/north-korea-nuclear-weapons-history/>
57. Yongchool, Ha and Shin Beomshik, (2006), Non-proliferation and Political Interests: Russia's Policy Dilemmas in the Six-party Talks, "US-Russia: Regional Security Issues and Interests" (**Int'l Conference in Washington, DC**, April 24-26).
58. Yonhap News Agency, (2003), **North Korea Handbook**, An East

Gate Book, Seoul.

59. Zengerle, Patricia, (2017), U.S. lawmakers say Trump administration still lacks clear North Korea plan, **Reuters**, Apr 26, <http://www.reuters.com/article/us-northkorea-usa-senate-idUSKBN17S0B9>.

